



اجتہاداً قطعاً نباید هیچ حزبی داخل شوند و در امور سیاسی مداخله نمایند.  
حضرت عبدالکبیر

# آهنگ بدیع

سال ۳۰

شماره ۳۳۵

آذر و دی ماه ۱۳۵۴

۱۹ شهر القدره الی ۲ شهر السلطان ۱۳۲ بدیع

---

مخصوص جامعه بهائی است

# فهرست مطالب هنگ بدیع شماره ۳۳۵

- |    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۴  | ۱- لوح مبارك حضرت بهاء الله      |
| ۵  | ۲- پای پیاده                     |
|    | ۳- قسمتی از کتاب راهنمای مهاجرین |
| ۱۹ | ۴- معرفی کتاب "ظهور عدل الهی"    |
| ۲۳ | ۵- اخبار مصور                    |
| ۲۸ | ۶- اوسام (شعر)                   |
| ۳۰ | ۷- علم و دیانت بهائی             |
|    | ۸- از یادداشت‌های جناب حاجی      |
| ۳۸ | میرزا حیدر علی اصفهانی           |
| ۳۹ | ۹- قسمت جوانان و نوجوانان        |

مولانا محمد عظیم  
 صاحب عالمگیری  
 بیست و نهمین مرتبہ  
 بیوم اللہ کوکون  
 در کتب سبب  
 حفظ زناہد  
 بکرتی

لوح مبارک حضرت بہا اللہ  
 عکس برداری از نسخه موجود  
 در محفوظہ آثار

# پای پیاده

فریده سبحانی

" ای کاش از برای من میسر میشد که پای پیاده ولو یکمال فقر بان صفحات مسافرت مینمودم و نعره زنان در شهرها و دهات و کوه و بیابان و دریا یا بها الا بهی میگفتم و ترویج تعالیم الهی مینمودم ولی حال از برای من میسر نه لهذا در حسرتی عظیم هستم بلکه انشا الله شماها موفق گردید . "

حضرت عبدالبهاء

آنگاه که عدد حروف حی سه ۱۸ نفر رسید و بفرموده هیگل مقدس حضرت نقطه اولی تکمیل گردید هیگل مبارک قبل از عزیمت از شیراز حرکت بصوب مکه ملاحظه بشرویه را احضار فرموده خطاب با ایشان فرمودند :

" نزدیک است که از هم جدا شویم شما باید در امن همت بر کمزنید و به تبلیغ امرالله قیام کنید . خداوند شما را محافظت خواهد کرد و قرین نصرت و موفقیت خواهد ساخت . اینک در بلاه سیر نمائید و همانطوریکه باران زمین را سرسبز میسازد شما نیز مردم را از باران برکات خود که خداوند عنایت فرموده سرسبز سازید . در هر حال تسلیم اراده خدا باشید .

بصدای بلند مردم را مخاطب ساخته بگوئید بیدار شوید بیدار شوید که بسبب رحمت الهی باز است . صبح هدایت در نهایت روشنی دمیده و حضرت موعود آشکار گشته . ای امتهای روی زمین راه ورود موعود را آماده و مهیا سازید و خود را از فضل و احسانش بی نصیب نکنید . چشم خود را از مشاهده انوارش محروم نسازید . . . . ( تاریخ تبیل ص ۷۲ )

بعد سایر حروف حی را احضار فرموده و هر یک از ایشان را جهت انتشار امر الهی راهی شهر داری نمودند و زاد راه ایشان این بیانات مبارک بود :  
" . . . . بیانات مبارکه حضرت مسیح را که بشاگردان خود فرمودند بسیار آورید و قتیکه میخواستند آنان را برای تبلیغ باطراف بفرستند بآنها فرمودند شما مانند آتشی هستید که در شب تاریک بر فراز کوه بلند افروخته گردد بایستد مردم از نورانیت شما مهتدی شوند . باید طهارت ذات و حسن رفتار شما

طوری باشد که مردم دنیا بواسطه "مشاهده" حسن گفتار و رفتار شما بسوی پدر آسمانی که منبع فیض جاودانی و سرچشمه "فضل ابدی" است متوجه گردند. شما که فرزندان آن پدر روحانی هستید بواسطه "اعمال خود" باید مظهر صفات الهیه گردید تا مردم نور الهی را در شما مشاهده کنند. شما نمک زمین هستید اگر نمک فاسد باشد یا چه چیز اصلاح خواهد شد. انقطاع شما باید بدوجه ای باشد که در هر شهری برای تبلیغ امرالله داخل شوید. از مردم آن شهر بپوچوجه اجرو مزدی توقع نداشته باشید غذا و طعام طلب نکنید و هنگامیکه از آن شهر میرواید خارج شوید گرد کفشهای خود راهم بتکانید تا چنانچه منقطع و طاهر وارد آن شهر شدید همانطور خارج گردید. زیرا پدر آسمانی همواره با شماست و شما را مراقبت میفرماید و محافظت مینماید. اگر شما با وفاداری باشید یقین بدانید که خزینه های عالم را بشما تسلیم میکنند و مقام شما را از مقام فرمانروایان و پادشاهان بلندتر میسازد. (تاریخ نبیل ص ۷۸)

و از آن زمان که حروف حق آن برگزیدگان خدا اسفار تبلیغی خود را آغاز نمودند تا با امروز تاریخ عصر رسولی و عصر تکوین امرنازنین شاهد قیام و حرکت خیل پاکبازانی بوده که بر اثر اقدام آن بزرگواران و با سرمشق از سفرهای تبلیغی هیکل مبارک حضرت عبدالهیا در اروپا و امریکا از یار و یار خود گسسته در بسیاری از مسواورد تا پایان حیات شهرها و کوهها و برزتهای نادیده را پیموده بارته یا بها الابهی بزرگوای اسم اعظم آورده اند.

### سفرهای تبلیغی آتی

امروز نیز همچنان میادین خدمت برای عشاق و پاکبازان امرنازنینش آماده بوده و بیت العدل اعظم الهی در پیام ۲۵ می ۱۹۲۵ بار دیگر تکیه بر اهمیت این اسفار مینمایند و بدین ترتیب بنا بر امر آن معهد اعلی جهت اینگونه سفرها از این پس برنامه ریزی های لازم بر اساس طرح جدید و بین المللی آن عصبه جلیله پیش بینی میگردد.

از پیام منبع بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۵ می ۱۹۲۵ :  
 "با آنکه حضرات مهاجرین اعم از نفوسی که از خارج بقصد هجرت آمده و یا در داخل کشور باین امر جلیل قیام نموده اند و جودشان برای تقویت جامعه هائی بهائی در دوره های متعدد بسیار مفیتم و پرارزش است و در بسیاری از مسواورد بگانه راه برای فتح مراکز جدید محسوب و دایره آن باید بالاخص در مسورد- مهاجرین داخله در بسیاری از ممالک توسعه پذیرد طریق دیگری نیز برای

تأمین این منظور خطیر موجود است که حائز نهایت اهمیت است و باید مورد توجه دقیق قرار گیرد و آن اعزام مبلغین سیار بنقاط مختلفه است. چنانکه در پیام رضوان خطاب بپارسان عزیز ابلاغ گردیده طرح جدیدی جهت سفرهای تبلیغی بین الملی اتخاذ و اعلام شده است\*  
( چون جزئیات این طرح خارج از موضوع بحث میباشد و بیشتر وظایف تشکیلات مربوطه بیان شده از ذکر آن خودداری گردید ) .

---

#### پیشرفت امر وسیله افراد عادی

---

حضرت ولی امرالله در مرقومه مورخ ۲۰ ژوئن ۱۹۴۲ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان انگلستان میفرمایند: اصول و قواعد تبلیغ دستجمعی ص ۱۰  
" شاید این افتخار آمیزترین صفت مشخصه فعالیتهای امروز ما در سراسر عالم باشد که تعدادی بسیار قلیل از مردم عادی فاقد هرگونه پشتوانه مالی، محروم از شهرت نامهای بزرگ و عالی فقط بنام امر با چنین شور و علاقه و هیجان تحت لوای اسم اعظم به نسل حاضر و نسل آینده نشان میدهیم که تنها به کمک حقایق الهیه و کهنونیت سامیه مودعه در این امر اعظم است که توسعه و ترقی و پیشرفت آن حاصل میگردد نه قدرت ظاهری و وسائل مادی و با شهرت نامهای زودگذر. هنگامی که واضح و مسلم گردد که آنچه لوای اسم اعظم را در اعلی قلل باهتزاز آورده و نام اعزافخم بها\* الله را در اقصی نقاط عالم منتشر کرده عشق و محبت و فداکاری و جانباختن بی دریغ پیروان اوو تعالیه مقدسش میباشد که چنان تغییراتی شگرف در زندگانی و قلوب و افکار آنان پدید آورده است آنگاه قدرت و قوت رسیده مادی و معنوی تواما\* و بخودی خود پدیدار خواهد گردید ."

---

#### قیام همگانی - تأییدات الهی

---

از توقیع مبارک حضرت ولی امرالله ۲۹ ژوئن ۱۹۴۱ خطاب به محفل ملی بهائیان هند و برما ۱ - ق ۰ ص ۸  
" امیدواریم همه از زن و مرد و پیرو جوان بکمال همت و جدیت اوقات خود را مصروف این خدمت فرمایند و با قیامی عاشقانه برای سکونت در سرزمینها و مناطق جدید به حرکت نمایند و علیرغم هرگونه مشکلات و نداشتن تجربه برای مسافرتها تبلیغی اقدام کنند و مطمئن باشند همانطور که حضرت بها\* الله وعده فرموده حضرتش کلیه کسانی را که بنام او قیام مینمایند نصرت و حمایت

فرماید و بقدرت ملکوت آنان را حفظ وصیانت نماید هر چند آنها بظواهر ضعیف و حقیر باشند .

توقیع مبارک حضرت ولی امرالله ۱۱ مه ۱۹۴۸ خطاب به محفل روحانی <sup>مقدس</sup> ملی بهائیان استرالیا : ۱- ق ص ۱۴

" میتوانیم به حقیقت بگوئیم که این امرچنان قدرتی به نفوس بخشیده است که امور متنوع و غیرممکن را عملی سازند زیرا بهائیان تقریباً در جمیع نقاط و در اغلب موارد از ثروت و مکنات و شهرت ظاهری بی بهره هستند و از تشخصات و مقامات عالی بشری عاری و بری و در عین حال همینکه بنام حضرت بهاء الله اقدام با امری مینمایند و برای تبلیغ و تشریح امرالله کوشش و قیام میفرمایند قدرت و نفوذ هر یک چون فوجی عظیم اثر نماید و پهنه ای وسیع را در برگیرد... باید باین حقیقت ایمان داشت که این فقط در اثر حسن فداکاری و از خودگذشتگی که صفت مشخصه مومنین مخلصین در راه خدمت با امرالله میباشد میسر و ممکن میگردد نه بوسائل و مقدرات ظاهری و کمک های مادی . " حضرت ولی امرالله در توقیع مبارک خطاب به اعیان امریکامورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۲۴ میفرمایند :

" اول و اهم صفات مشخص مبلغ تعلق و وفا به امرجمال کبریاست . داشتن معلومات ضروراست لکن در مقام قیاس یا اخلاص در مرحله دوم اهمیت قرار دارد . امروزه امراللهی چندان احتیاج به نفوسی که تحصیلات عالی دارند و روشنفکر هستند و میتوانند تعالیم امررا بشوئی معرفی نمایند ندارد . بلکه نیاز به نفوس مخلص و فداکار و حامیان وفاداری دارد که بی اعتنائسبت بعدم امکانات و ضعف قوای خود بوده یا قلوبی مشتعل از نارمحبت الله همه چیز خود را در راه انتشار و استقرار امرالله فراموش کنند "

از دستخط های بیت العدل اعظم

حضرت بهاء الله میفرمایند :

" قسم بنام او که بحر اعظم است در قلوب نفوسی که پاک و ظاهرند قوای بیکران نهفته است و استعداد آنان چنان عظیم است که بر جمیع خلائق اثر میکند "

از دستخط های بیت العدل اعظم

---

دعا و مناجات

---

بوسیله دعا و مناجات به عجز و نیاز خود اعتراف نموده از خواهشها و امیال



شخصی گسسته به تأییدات الهی دل محکم می بندیم و از خداوند میطلبیم  
که ما را موفق بر خدمت آستانش نماید .

"هو الله الیه الیه هذا طیر کلیل الجناح بطی الطیران ایده بشد ید  
القوی حتی یطیر الی اوج الفلاح و النجاج و یرفر فیکل سرور و انشراح  
فی هذا الفضا" و یرفع هدیره فی کل الارجا باسک الاعلی و تتلذذ الازان  
من هذا النداء و تقر الاعمین بمشاهده آیات الهدی ربانی فرید و حید حقیر  
لحم لی ظهر الالانت ولا نصیر الالانت ولا مجیر الالانت و فقی علی خدمتک  
و ایدنی بجنود ملائکتک و انصرنی فی اعلاء کلمتک و انطقنی بحکمتک بین بریتک  
انک معین الضعفا و نصیر الصغرا و انک انت المقدر العزیز المختار . ع"

از کارالمقربین جلد دوم ص ۱۰۴

در حقیقت بکمک دعا و مناجات از خداوند میخواهیم که ما را همچون وسیله ای  
در اختیار خود گرفته بر سر راه آنکس قرار دهد که لایق اصفا نام و کلمه اوست  
و وقتی از صمیم قلب چنین دعائی میکنیم هر آنکس را که بطریقی بر سر راه ما  
قرار گرفت و یا هر نقشه ای که پس از وقت نظر و مشاوره لازم جهت ابلاغ  
امر با شخص مستعد یا معرفی امر در مجالس تبلیغی طرح کردیم از صمیم  
قلب بآن عمل نموده اجرای آنرا در جهت رضای الهی می پنداریم .

و بدین خاطر یکایک مبتدیان را حتی قبل از آنکه آنها را دیده باشیم با  
بشناسیم دوست خواهیم داشت . زیرا که اطمینان داریم این اشخاص باراده  
الهی مقابل ما قرار گرفته اند و در حقشان دعا کرده از ملکوت الهی تائید میطلبیم  
که بتوانیم از طریق محبت طیب و واقعی خویش ایشان را بازده ای از عشق  
محبوب عالمیان آشناسازیم و این رابطه واقعی قلبی باعث میگردد که متحرکان  
حقیقت موفق گردند در محیطی مملو از صفا و محبت و بدون وجود روح مقاومت و  
مخالفت گامهای بعدی را در سبیل تحری حقیقت بردارند .

در سفرهای تبلیغی علاوه بر حالت دعا و توجه که برای هر فرد حائز کمال  
اهمیت میباشد مشارکت همه اعضای گروه در تضرع و تبتل بدرگاه الهی مسلماً  
در موفقیت گروه تأثیر فراوان خواهد داشت . زیرا بدینوسیله علاوه بر تأثیر  
مستقیم دعا افراد گروه یکدل و همزیان گردیده و مثال "یک روح درد و بدن"  
تحقق می پذیرد .

بهنگام تبلیغ نیز اگر چه که ظاهراً همه با هم مشغول ابلاغ کلمه به شخص  
واحد یا نفوس متعدد نمیگردند ولیکن اگر هنگامیکه یکی از افراد گروه مشغول  
مذاکره بابتدای است سایر اعضای گروه همدلی و یکدلی خود را حفظ نموده  
و قلباً و در نهایت سکوت و سکون جهت جلب تائید و هدایت آن نفوس بدرگاه  
جمال مبارک دعاکنند در حقیقت همه آنها با کمک و پشتیبانی یکدیگر خدمت

جمعی انجام میدهند که اثرات آن می تواند بمراتب پیش از اثر خدمات نفس واحد باشد .

حضرت عبدالبها میفرمایند : " انسان ممکنست بگوید هر وقت میل داشته باشم مناجات و تضرع میپردازم وقتی که احساسات قلبیه ام را منجذب الی الله یابم خواه در بیابان خواه در شهر یا در هر قریه ای هر کجا باشم چه لزومی بجائی بروم که دیگران در روز مخصوص وساعت معین مجتمعند تا متفقا "متحدا" با آن نفوس براد ای فرائض خود قیام کنم در حالیکه محتمل باشد که در فکرم حالت مناجات دست نمیدهد تصور این فکر خیالی است باطل زیرا هر جا جمعی مجتمعند قوتشان بیشتر است افراد لشکر اگر منفردا " جنگ کنند هرگز قوه يك اردوی متحد را نخواهند داشت . پس اگر هیئت لشکر در این حرب روحانی متحدا " جمع شوند احساسات متحده روحانیه شان موثر یکدیگر گردد و ادعیه شان مقبول تر شود . " کتاب بها " الله و عصر جدید صفحه ۱۰۸

" همه افراد نمیتوانند در مجامع عمومی نطق کنند . از همه افراد انتظار نمیروند در موسسات اداری امری خدمت نمایند . اما جعلگی میتوانند بدرگاه الهی دعا کنند و بجهد روحانی مبادرت ورزند و بصندوق نقشه سعادت نمایند . اگر هر فرد بهائی این وظایف مقدسه را ایفا نماید شك نیست که از یاد قوه فعاله در سراسر جامعه بهائی موجب توسعه " بیشتر د اثره امرالله و افاضه " برکات عظیم تر خواهد شد بحدی که موجب اعجاب عموم گردد . سوا قس شرکت عموم یاران در این آرزوی دایمی حضرت مولی الوری نهفته است که پیوسته مشتاق آن بودند که با این محب بنگر باشند و دایما " عشوق و معین و معاضد همدیگر گردند و بمثابه يك روح در يك بدن شوند و بدینوسیله بصورت همگلی " عالم و بتمام معنی " متحد " در آیند که بروح الهی نباض و منور باشند . جمیع یاران از چنین هیكل کاملی نیرو و مایه حیات کسب خواهند کرد و از آن ریاحین و اثمار طیبه بیار خواهند آمد . " از دستخط هـ ای بیت العدل اعظم الهی . "

---

#### اعتقاد قلبی

---

حضرت ولی امرالله در مرقومه مبارک خطاب بیکی از احباب " مورخ ۵ ژوئیه ۱۹۴۷ میفرمایند : ۱۰ ق . ص ۱۲

" اولین و مهمترین دلیل برای هر شخص منصف که بشری همربانی وارد میشود باید محققا " این باشد که او یقینا " و قلبا " اعتقاد پیدا کرده است که اصول و تعالیم مبارکه و آثار متعالیه امریه و نظم بدیع حضرت بها " الله بهترین

طریق و صحیح ترین روش برای مرحله کنونی از دوران تکامل عالم انسانی است

بنابراین مقصود ما از ابلاغ کلمه بیان و تفهیم حقایق فوق برای متحرران حقیقت میباشد و تنها موقعی میتواند کلام مادر دگر یگری موثر واقع گردد که خود از صمیم قلب با آنچه میگوئیم معتقد بوده و ذره ای تردید در اعماق قلب و روح خود نسبت بدان نداشته باشیم و تا آنجا که ممکن است مطالب را آنگونه که در آثار و تمالیم هست و بهمان سادگی و نه با استنباطات شخصی خود بدیگران منتقل سازیم. مضمون دستخط بیت العدل اعظم الهی ۱۳ جولای ۱۹۶۴: (ترجمه از انگلیسی)

"وقتی که دوستان کلام الهی را تبلیغ میکنند باید توجه داشته باشند که این پیام را بهمان سادگی که در تعالیم مبارک بیان شده ابلاغ کنند. در تماسهای خود باید صداقت و عشق الهی را ظاهر نمایند. قلب یک نفرائی بشدت حساس است و ذره ای تعصب را از طرف مهاجر یا مبلغ فورا احساس میکند"

چه در غیر این صورت الفاظ معنی و محتوای حقیقی خود را از دست داد و به بحث در باره مسائل امری هر چند که با استدلال قوی و با الفاظ بسیار زیبا و بجای خود توأم گردد کالب یک گفت و شنود سطحی و عادی پیشتر نرفته بر قلب و روح اثر نمیکند. بخصوص هنگامیکه نام مبارک حضرت بها<sup>۱</sup> الله را بر زبان میرانیم باید کاملاً بیدار و آگاه باشیم و مطمئن باین حقیقت که نام مقدس موعود جمیع ادیان الهی را بر زبان میرانیم و در این حال باید تمامی وسوسهها و شهوات بر عظمت آن جمال بیهمتا بدهد. میدانیم که این نام مقدس بتنهائی جالب و جاذب و هادی نفوس است:

---

### هو الله

ای باران الهی و اما<sup>۲</sup> رحمانی نام مبارک محبوب بیهمتا جمال ابهی را در منتهای جذب و وله بیاد آرید و زبان گشائید تا ساحت دل از اندوه آب و گل منزّه و مقدس شود و روحانیت کبری جلوه نماید. آیات توحید اشراق کند و فیض جدید نازل گردد و تأیید شدید حاصل شود. نام او درمان هر درد بیست و حرارت بخش هر سردی. دریا ق اعظم است و طلسم اکرم. زندگی د و جهانست و نجات دهند گمراهان. الهیوم این اسم مقدس حرز عالمیان است و پناه آدمیان نغمه الهی است و رنه رحمانی. پس ای باران با وفانعره یا بها الابهی بر آرید و ای طالبان جمال کبریا بافق اعلی توجه کنید. دمس

می‌سازید و نفسی بر زبانید مگر بحیثیت او و مرهیت او، روح آیات او و اثبات  
بینات او اینست مغناطیس تأیید، اینست قوت جاذبه توفیق ع

منتخباتی از الواح و آثار مبارکه صفحه ۱۸۹ و ۱۹۰

شما هم تاکنون اشعار امری تبلیغی و تزئید معلوماتی جهت احبای تـ سـاز ه  
تصدیق را شنیده‌اید در این اشعار که اکثر آنها برای تعلیم به مرد ساد هد ل  
بومی و روستانشینان ساخته شده بهش از همه تاکید روی نام مبارک حضرت بها الله  
و تکرار این نام میباشد. بنحوی که پس از چندین بار تکرار سرود بطور دستجمعی  
هریک از افراد باسانی از عهد و تلفظ و تکرار این نام برآمده با آن خود میگیرند.  
و در اینصورت میتوان اطمینان داشت که تازه بهائیان در این فاصله کوتاه  
و با خوگرفتن با نام محبوب عالمیان از لحاظ معنوی راه درازی را پیموده‌اند.

تعالیم مبارک

معمولا" در اولین مراحل ابلاغ کلمه بدنیال توضیح مختصری درباره دیانت  
جهانی بهائی صحبت از تعالیم مبارک بهمان می‌آید.  
مقصود از معرفی تعالیم شرح و تفصیل کلیه تعالیم الهی نیست و بخصوص  
در مراحل اولیه قبل از تسجیل کافیه که مشتاقان باشمه ای از تعالیم  
مبارک آشنا گردند. بتجربه ثابت شده وقتی طی یک یا دو جلسه به بهمان  
بیش از چند تعلیم مبارک پرداخته و بخواهیم در باره تمام آنها توضیحات  
کافی بدیم برای شخص عادی قابل جذب نبوده اوراد چار سرگردانی و حیرت  
خواهد ساخت.

معمولا" با توجه به طرز فکر و خصوصیات شخصی متجری حقیقت باید یک یا چند  
تعلیم از مجموعه تعالیم مبارکه را انتخاب نموده بشیوه ای که حضرت جید البها  
در خطابات خود سرمشق فرموده اند آنها را با بهائی ساده و بازگرمثالهای  
مناسب تفهیم نمود. تجسم این تعالیم با طرحهای واضح و روشن و با نقاشیهای  
رنگی که مقاصد ما را بسادگی بازگو مینماید و یا با استفاده از آلبوم عکس بخصوص  
برای بومیان و افراد ساده دلی که بیشتر به مسائل عینی توجه دارند  
تاحل و فصل آنها از طریق ذهنی، بسیار مناسب بنظر میرسد.

وحدت عالم انسانی که هدف اصلی اجتماعی دیانت بهائی است، وحدت  
اساس ادیان الهی و نیز ترك تعصبات که آموزش آنرا حضرت ولی امرالله  
توصیه میفرمایند در معرفی امر به طبقات گوناگون و برای نژاد ها و اقوام

مختلف بسیار موثر است .

همچنین بسته به موقعیت فرهنگی و اجتماعی و میزان سواد و فهم و سایر خصوصیات فردی هر يك از مبتدیان با ایشان درباره معدودی از سایر تعالیم حضرت بها<sup>ع</sup> الله صحبت میکنیم . مثلاً در ممالکی که به مسائل علمی توجه بیشتری مبدول میگردد میتوان درباره تطابق علم و دین و در مناطقی که زنان از تعلیم و تربیت و حقوق اجتماعی محروم میباشند از اهمیت تربیت دختران و تساوی حقوق رجال و نساء صحبت بمیان آورد .

اگر سعی شود در توضیح هر يك از تعالیم از مثالهایی که اکثراً حضرات عبدالبهائ<sup>ع</sup> برای روشن کردن آن تعلیم استفاده نموده اند ، استفاده شود و درباره هر تعلیم حتی الامکان شواهدی از بیانات مبارک<sup>ع</sup> را<sup>ع</sup> از برنموده ایم بیان نمائیم احتمال اینکه با برداشتهای شخصی و احياناً<sup>ع</sup> نادرست خود بین مظهر امروز مشتاقان او فاصله ایجاد کرده باشیم بحراتب ضعیفتر خواهد گردید .

عباراتی نظیر " همه باریکدارید و برگ یکشاخسار "

" امروز انسان کسی است که بخدمت جمیع من علی الارض قیام نماید " " ای اهل عالم مذهب الهی از برای محبت و اتحاد است و سبب عداوت و اختلاف ننماید "

" محبت نور است در هر خانه بتابد و عداوت ظلمت است در هر کاشانه لانه نماید " کوتاهترین و سهلترین راه را برای آشنایی با امر مبارک<sup>ع</sup> میسر ساخته و در مراحل بعد نیز ایشان را آماده میسازد که در هر مورد به بیانات<sup>ع</sup> استشهاد نمایند .

ولکن در جمیع این موارد باید توجه خاص به روحانیت و استعداد افراد گوناگون داشت حضرت ولی امر الله در توفیق ۳ اکتبر ۱۹۴۱ خطاب بیهی از احبها میفرمایند . (۱ - ق ص ۱۰) نکته اساسی در نشر معارف الهی شناخت استعداد و قابلیت واقعی نفوس مستعد و تکمیل کمالات آنهاست در هر طبقه و درجه اجتماعی که باشند "

از دستخط بهت العدل اعظم مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۶۷: " روش تبلیغی واحد نظر همه اشخاص را یکسان جلب نمیکند طرز بیان و روش برخورد با مبتدیان باید با جهان بینی و علائق مستمین متناسب باشد "



تاریخ مختصر حیات حضرت نقطه اولی، حضرت بهاء الله و حضرت عبد البهاء صدمات و بلاهای وارده برایشان و تفهیم این نکته که هر یک از این هیاکل مقدسه و مومنین جانباز اولیه این بلاهای لا تحصی را جهت سعادت بشر بر خود هموار ساخته اند و اگر چه بظاهر مظلوم و لکن دارای قدرت آسمانی بوده اند خود یکی از راههای مناسب برای اثبات حقانیت امر مبارک میباشد و موجد ارتباط قلبیه بین متحریان حقیقت با آن مظاهرانوار گردیده ایشان را قادر میسازد که قلباً از آن هیاکل مقدسه کسب فیض نمایند و از ابتداء ایشان را آماده و مستعد فداکاری و تحمل شداهد در سبیل مبارکش میسازد.

استفاده از وسائل سمعی و بصری نظیر نمایش اسلاید و فیلم و آلبوم عکسهای رنگی از اماکن متبرکه و شمایل حضرت عبد البهاء و بالاخره بیان به شرفست آمد در سنوات اخیر و وقایع مختلف عالم همراه با عکسها و فیلمها و کتب از کنفرانسهای ملی و بین المللی که نشانه و محتاط عالم انسانی میباشد و حیوانات بهمان سابقه و تاریخ نفوذ امر در مملکت یا خطه ای که هم اکنون مشغول تبلیغ در آن هستیم بسیار مفید واقع میگردد.

## احکام

تا هنگام تسجیل نفوس مستعد کافیهست بدانند که امر مبارک دارای احکام و قوانین بخصوص است که برای هر فرد بیثباتی بخاطر حب جمال مبارک سعادت فرد و جامعه لازم الاجراست و بعنوان نمونه برخی از آنها ذکر میگردد.

میدانیم تنها آن دسته از احکام الهی برای احبای خارج از ایران لازم الاجرا که توسط هیکل مبارک حضرت ولی امر الله ترجمه گردیده و قسمتهائی از کتاب مستطاب اقدس که اخیراً "بیت العدل اعظم الهی" نشر نموده اند. لذا باید بهر حال از معرفی و ارائه احکامی که اجرای آنها هنوز در خارج از ایران معمول نگردیده خودداری نمود. در برخورد و آشنائی با برخی احکام گاه متحریان حقیقت آنقدر خود را ضعیف و اجزای این احکام را خارج از قدرت خود می پندارند که در پیوستن به صف مومنین دچار تردید و دودلی فراوان میشوند. در این موارد باید صبر و حوصله فراوان بخرج داد و نهایت دقت بعمل آورد که احکام مانع و رادعی در راه وصول مشتاقان بشاهراه امر مبارک نگردد و در حقیقت باید بایشان تفهیم نمود که در اجرای احکام نیز با استدرا

تدریجی بهبود و هنگامیکه انسان قصد اجرای آنها را داشته و قدمهای اولیه را در راه اجرای آنها بردارد بتدریج خواهد توانست از عادات گذشته گسسته و بزیور عادات و آداب تازه مزین گردد .

### نظم اداری

قبل از تسجیل بسته به نوع فرهنگ جامعه و میزان سواد متحرکان حقیقت برای ایشان شمه ای از نظم اداری امر شامل ضیافات نوزده روزه ، محافل روحانی محلی وطنی و بیت العدل اعظم الهی ، وظائف این مؤسسات و انتخابات بهائی ( سری و عمومی و آزاد ) بیان میگردد .  
برای اشخاص کم سواد میتوان این مطالب را بکمک عروسکهای کوچک یا نقاشیهای ساده مجسم ساخت . سپس از اقبال بامر مبارک آماده شرکت در تشکیلات باشند .

لکن در اینباره نیز باید دستور هیکل مبارک حضرت ولی امرالله را بخاطر داشت .

از نامه هیکل مبارک حضرت ولی امرالله خطاب به محفل روحانی ملی هند وستان  
۹ ژوئیه ۱۹۵۷ :

" زینهار که شعله های شوق و ایمان را با جریان سیل آسای دستورات و نظامات و اطلاعات متتابع و متعدد اداری به سردی و انجماد گشانند و روح نشاط را به خستگی و افسردگی دچار سازند " :

### تسجیل

مضمون دستخط بیت العدل اعظم الهی ۱۳ جولای ۱۹۶۴ ( ترجمه از انگلیسی ) " موقعیکه احباء در گروهها تبلیغ میکنند باید متوجه باشند که جنبه های مادی ( خیریه ) را وسیله ای برای جلب مبتدی قرارند هند . تجربه نشان داده موقعیکه تسهیلاتی مانند ساختن مدارس و بهارستانها حتی تقسیم غذا و غیره برای مردمی که در حال تبلیغ و تعلیم آنها هستیم فراهم میشود مشکلات بسیاری بوجود میآید .

محرک اصلی اقبال آنها باید همیشه پاسخ بشر به ندای الهی و شناسائی مظهر ظهور او باشد . کسانی که خود را بعنوان بهائی تسجیل میکنند باید مجذوب زیبایی تعالیم و متأثر از عشق حضرت بها<sup>ام</sup> الله باشند .  
برای تسجیل احتیاج به دانستن تمام دلائل ، تاریخ ، قوانین و اصول <sup>امری</sup> دارند

ولی در جریان تسجیل باید علاوه بر دریافت شعله ایمان در باره همیاکل اصلی امر مطلع باشند و همچنین از وجود قوانینی که باید اجرا کنند و نظمی که باید اطاعت نمایند آگاه گردند.

بنابراین پس از آنکه مختصری اطلاعات اولیه در باره تعالیم مبارکه، همیاکل مقدسه حضرت اعلی، حضرت بهاء الله و حضرت عبد البهاء و وجود احکام و نظم اداری در اختیار مبتدیان قرار دادیم چنانچه استعدادی در شخص ملاحظه گردید، به عبارت دیگر چنانچه احساس شد قلبش بنور ایمان منور گردیده، بدون توجه به میزان اطلاعات شخص در نهایت صراحت و سادگی از ایشان دعوت مینمائیم که عضو جامعه جهانی بهائی باشند و کارتهای مخصوص تسجیل را ارائه میدهم.

حضرت ولی امرالله در این مورد در توفیق مورخ ۹ ژوئیه ۱۹۵۲ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان جنوب و غرب آفریقا میفرمایند:

"مطلب اساسی اینستکه داوطلبان تسجیل در قلب خود به حقیقت امرالهی و حقانیت حضرت بهاء الله اعتراف نمایند اینکه شخص مؤمن بیسواد و یا عالم باشد و به کلیه تعالیم مبارکه آشنا و یا نسبت بآن بیگانه باشد بهیچوجه ارتباطی به ایمان او ندارد.

بعضی اینکه بارقه ایمان در قلبی درخشید به پیام الهی دست یافته است و در این مرحله سایر شئون و ترتیبات اهمیت ثانوی داشته و مسلماً بتدریج در مراحل بعدی پیشرفت روحانی بدست خواهد آمد.

توفیق مبارک مورخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۳ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان آمریکا:

"هنگام تسجیل متدقین جدید با کمال رغبت و متانت و حکمت عمل شود. از ایجاد موانع و اشکالاتی که احتمالاً باعث گردد امر بهائی را مشکل تصور کنند و قبول و اجرای تعالیم آنرا غیر ممکن بشمارند مطلقاً خود داری گردد. از طرف دیگر پس از قبول آنان در صف مؤمنین حضرت بهاء الله تدریجاً باید بآنان تفهیم گردد که انتظار جامعه بهائی اینستکه بر حسب تعالیم مبارک رفتار نمایند و زندگی خود را بر آن منطبق ساخته و نشانه های خلق و خوی بهائیس را در جمیع شئون ظاهر سازند.

---

مراحل پس از تسجیل

---

از مرقومه ۲۶ ژوئن ۱۹۵۶ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان کانادا.  
" . . . بعلاوه حداکثر سعی و کوشش آن محفل باید متوجه آشنا ساختن



مصدقین جدید به حقایق اساسی و روحانی و اصول و مبادی و هدفهای امر الهی و نیز مقاصد عالی و نحوه کار و روش بدیع نظم اداری در این دورانم صدقانی باشد. همچنین آشنائی کامل با تاریخ و مفهوم دقیق عهد و میثاق الهی در هر دو عصر رسولی و تکوین، ترفیع و تشبیه حیات روحانی آنها و تشویق بر خدمت و مشارکت بیشتر در فعالیتهای تبلیغی و تشکیلاتی و ترغیب بر فداکاری در طریق پیشرفت اهداف و مقاصد امری نیز باید هدف اصلی و اساسی آن محفل قرار گیرد\*

بلافاصله پس از اقبال صدقین بامر مبارک صلوه ( نماز کوچک ) بایشان تعلیم میگردد و نیز لزوم ابلاغ امر مبارک به سایر نفوس نفهم میگردد. از آن پس - ایشان متدرجا\* با مسائل زیر آشنا میگردد:

- تفصیل تاریخ حیات هیاکل مقدسه و تاریخ امر شامل جانبازی و فداکاری احبای اولیه و پیشرفت امر در سراسر جهان که روح شهامت و فداکاری و استقامت را در ایشان بیدار میکند و تفصیل تعالیم مبارکه، توضیح در باره آنها با ذکر امثله مناسب و تکمیل اطلاعات ایشان اهمیت و لزوم تلاوت دعا و مناجات. ( احیاناً\* تعلیم چند مناجات )
- اهمیت و لزوم شرکت در ضیافت نوزده روزه
- اهمیت و لزوم پرداخت تبرعات و کمک به صندوق محفل
- اهمیت و لزوم مطالعه در آثار مبارکه ( و یاد دادن عبارات کوتاه از آثار مبارکه بنحویکه اهالی قراء و قصبات بتوانند آنها را تکرار کرده از بر بخوانند - نظیر بهائیتی یعنی جامع جمیع کمالات انسانی )
- لزوم خارج شدن از عضویت در موسسات مذهبی نظیر کنیسا، کلیسا و غیره..... در کلیه این مراحل نیز بفرموده مبارک باید نسبت به تازه تصدیقان که هنوز پیوندهای نسبتاً محکمی با گذشته خود دارند نهایتاً بصبر و حوصله بخرج داد. از مرقومه مورخ ۳۰ ژوئن ۱۹۵۲ به محفل روحانی ملی بهائیان امریکای جنوبی. " حضرت ولی امرالله کاملاً" باین واقعیت که بعضی از احبای هنوز علائق و پیوستگی خود را نسبت به فرقه و دیانت قبلی خود حفظ کرده اند واقف بوده و احساسات آنها را درک میفرمایند.
- این مسئله همواره در نقاطی که امرالله جدیداً\* بدان نفوذ نموده وجود داشته است...
- هیكل مبارک توصیه میفرمایند که آن محفل در مورد این قبیل افراد صابر بوده و بامداری رفتار نمایند و در عین حال مرتباً\* نسبت به ازدیاد معارف و اطلاعات

امری آنان و تعلیم هرچه بیشتر سادی امر مجاهدت فرمایند . زیرا بتدریج  
که بر میزان معرفت و اطلاع آنان از حقیقت امروز و تعینت تعالیم حضرت بپناه الله  
افزوده گردد از ارتباط و بستگی به عقاید کهنه کاسته شده و کاملاً منقون  
و دبسته امرالله خواهند گردید .

از نامه مورخ ۸ اوت ۱۹۵۷ خطاب به محفل روحانی ملی مرکز و شرق افریقا  
" اولین و اساسی ترین شرط برای قبول افراد جدید ایمان آنان به مقام  
مظهریت حضرت بپناه الله در این عصر است . ما نمیتوانیم از افراد بیسواد که  
البته بیسوادى آنان هیچ تأثیری بر استعداد فکری و روحانی آنان ندارد  
انتظار مطالعه و تحقیق در آثار و تعالیم مبارکه داشته باشیم . بخصوص  
وقتی که از آن آثار بمقدار خیلی کم در زبان آنها وجود داشته باشد . از این  
نفوس نمیتوان خواست که مثلاً مانند يك شخص افریقائی مقیم لندن که  
دسترس بآثار مبارکه دارد عمل نماید . در این مرحله روح افراد و تقلیب  
قلوب آنان بسیار اهمیت دارد . چه که با این روح اهمیت مقام حضرت بپناه الله  
را درک مینمایند و با ایمان قلبی به مظهریت جمال اقدس ایسی دل می بندند  
علیهذا احباب در مورد این قبیل مصدقین نباید زیاد سختگیر باشند . "



## قسمت‌سی از کتاب

# راه‌نمای مرثی‌هاجر بین

نوشته ام‌البنها روحیه خانم

ترجمه : پوران رحیمی

یکی از هنرهای بزرگ و نایب ظریف‌فزندگی که همه کوشش می‌کنیم بدان دست یابیم وصول به عداعتدالی مطلوب بین خیالپردازی و واقع‌بینی است. یعنی از جهت شخصاً در امور قضاوت متعادل داشته باشیم و در عین حال غایت امور را بی‌دعا غنا نیست حق بسیاریم تا راهنمای ما باشد. اغلب گمان می‌کنیم روحانی بودن با واقع‌بین بودن منافات دارد. ما اینهمه چه چیزی از تعالییم مبارک حضرت بها "الله واقع بینانه ترو عملی تر است؟ آیا هرگز تماماً وقت کرده ایم که وجود مبارک حضرت بها "الله در حیات جسمانی خود کامل‌ترین، واقع‌بین‌ترین و کارآمدترین فرد در تمام جهان بودند. ما آنقدر تحت تأثیر مقام عظیم روحانی حضرتشان هستیم که بسیاری از دقیقاتی را که مثبت و نشان‌دهنده این واقعیت است فراموش می‌کنیم.

من در طول زندگی خود شاهد موارد بسیاری بوده‌ام که افراد بهائی عملی غیر متعارف و ناسا متعادل انجام داده و نام آنرا روحانیت گذاشته‌اند. بگذارد نمونه‌هایی از این قبیل اعمال برایتان ذکر کنم.

حضرت ولی امراله بکرات می‌فرمودند: "این دیانت اعتدال و میانه روی است" عبارت دیگر در جمیع شئون از افراط و تفریط بدور است. مفهوم این بیان برای کسی که به محلی غریب و از هر جهت ناسا آشنا وارد می‌شود چیست؟ بنظر من اینست که این شخص باید قوه تشخیص و هوشیاری را از دست ندهد و در عین توکل با راده حق بیاد داشته باشد که تائید و اعانت آلمی شامل کسانیست که خود خویشتن را بسیاری کنند. خداوند بمعقل عطا فرموده که از آن استفاده کنیم. مثلاً وقتی همه ما بخوبی میدانیم که تمام افراد در کشور خودمان درست و قابل اعتماد نیستند چرا باید گمان بریم در جائیکه وارد شده ایم همه کس شریف و قابل اطمینان است؟ اگر در شهرود بیمار خودمان در خانه و اتومبیل را قفل کردیم و حساب پول جیبمان را بدقت می‌رسیدیم و نگاه میداشتیم و سعی می‌کردیم در موردی گول نخوریم و مغبون نشویم چرا باید در نقاطی که بعزم خدمت امر می‌رویم این نقطهارا بالمره فراموش کنیم؟

معمولاً افراد در حالت عادی خیلی از اصول بهداشتی را برای حفظ سلامت خود رعایت نمی کنند ولی هنگام غلیان احساسات روحانی کلیه این اصول ابتدائی را فراموش کرده و بالنتیجه بیمار می شوند . یا همیشه قبل از شروع بیک کار مثلاً باز کردن یک مدرسه یا شروع یک تجارت یا سهام شدن در یک شرکت یا قبول یک تعهد سنگین بواقعیاً اقتصادی توجه می کنند و جوانب امر را می سنجند ولی تازه بعد از احساسات قلبی می کنند تحت عنوان اینکه " حضرت به الله حافظ من خواهد بود " بدون مطالعه و پیش بینی قبلی شروع بکاری کنند که نه تنها اغلب باعث ورشکستگی و زحمت و پشیمانی خود آنها می شود بلکه دیگران را هم در معرض ناراحتی و زحمت و احياناً " محاطره قرار می دهند و تازه غمگین و دلشکسته هم میشوند چون خیال می کنند خداوند آنان را در لحظاتی که محتاج بوده اند از یاد برده است . عجیب نیست اگر هیکل مبارک حضرت تهراب <sup>علیه السلام</sup> قراراً بپاران نصیحت می فرمودند که در امور و مسائل تخصصی حتماً از نظریات متخصصین مطلع شوند . اگر شواهدی از این قبیل را که افراد بدون مطالعه و توجه اقدام بکاری کرده اند و بضرر خودشان و امر تمام شده بنویسم کتابی قطور خواهد شد . کلیه این موارد مثبت این معناست که اگر بیمار شدید به پزشک حاذق مراجعه کنید اگر می خواهید در کاری سرمایه گذاری کنید یا یک بانکدار قابل اعتماد و یا مشاور امور تجاری مذاکره و مشورت کنید اگر خیال شرکت با کسی ( بهائی یا غیر بهائی ) دارید همچنانکه در باره اعتبار و شایستگی آنها

وقت می کنید درباره امانت و توانائی ایشان جهت انجام آن چه ادعای کنند تحقیق کافی معمول دارید و از همه مهمتر کارها را همیشه از مجرای قانون انجام دهید . یعنی یک قرارداد رسمی تنظیم کنید و حدود تعهدات اختیارات و مسئولیتها را مشخص نمایید . وقتی مطالب نوشته و امضاء شد و قانونی بود از خیلی سوء تفاهات در آینده جلوگیری شده است و خیلی صحبتها از قبیل : " ولی شما قول داده بودید " یا " من فکر میکردم منظر شما اینستکه .. " یا " شما مسئول اجرای فلان کار بودید نه من ... " که اغلب در موارد اختلاف گفته میشود پیش نخواهد آمد .

این مطلب غیر از موارد شخصی درباره بسیاری از خدماتی هم که برای امر انجام می شود صدق می کند . بیاد دارم که مهاجری تصمیم گرفته بود بیاد آمد کمی که از راه تعلیم در مدرسه بدست می آورد حظیره القدسی در قریه ای بسازد . یکی از بهائیان محل با نشان دادن طرحهای زیبا با واطمینان داده بود که پیمانکار و شجری است و آن مهاجر مقداری پول برای تهیه مصالح ساختمانی در اختیار وی گذاشته بود . مدتی بعد که بیازدید محل رفته بود مشاهده کرده بود که آجرها خام و خراب است وقتی شخص متعهد را برای رسیدگی بحساب خواسته بود و تذکر داده بود که مطابق تعهد مصالح بهتری تهیه کند ، پیمانکار طی نامه ای با و پاسخ داده بود که با این ادعا مورد اهانت قرار گرفته و مراجع قانونی شکایت خواهد کرد . هر چند رفتار این پیمانکار در واز امانت باشد من آن مهاجر تحصیل

کرده و مجرب را سرزنش می‌کنم که چرا در آغاز تحقیق کافی نکرده است اگر کسی نمی‌تواند کاری را بطور کامل انجام دهد بهتر است آنرا شروع نکند. مثلاً در همین مورد این مهاجر مخلص نخواهد توانست پول از دست داده را بازیابد و کار را از نو شروع کند. شخص نادرست بانا رستی پولی بجیب زد و اهل قریه (سوی آنچه ممکن است از ذهنشان گذشته باشد) ناظر صحنه نامطلوب تلوی از گل و آجر بودند که یادآور حظیره القدس بود که آنها آرزویش را داشتند.

علاوه بر این توسیه‌های کلی بعضی نکات جزئی دیگر نیز هست که شخص مهاجر را یا مشوق باید از آن آگاه باشد، وقتی بدون اطلاع قبلی وارد مملکت یا شهر غریبی می‌شود بدون آنکه ترتیبات لازم قبلاً داده شده باشد متوجه می‌شود برای توقف در هتل باید تمامی پول نقد خود یا آنچه را که می‌خواسته در یکماه خرج کند در چند روز. مورد اژه، در کشورهای افریقائی و جزایر قیانس هند و اتیانوس کبیر و نقاط دیگر خرج بسیاری مسافر معمولاً زیاد است یا هتلهای موجود درجه یک هستند و خرج خوراک و اطباق در آنها بسیار گران است و یا خانه‌های بومی بغرض اینکه پیدا شوند بدلیل بسیار محصل مناسبی برای تازه واردین بخصوص افراد بچه دار نیست. ممکن است مردان جوان و مجرد بتوانند از این اماکن استفاده کنند ولی برای زنان تنها و خانواده‌ها مشکل است انسان بعد از مدتی اقامت در یک محصل یاد می‌گیرد که چه باید کرد ولی در اول ورود همه چیز برایش عجیب و تازه است و احتیاج

یکمک و راهنمایی دارد. باین جهت باید قبل از ورود برنامه دقیق تهیه شود. مهاجر باید در نظر داشته باشد که زمان لازم برای رسیدن نامه و گرفتن تصمیم، محل به محل خیلی فرق می‌کند و شاید آنچه را بتجربه قبلی گمان می‌کرده است در چند ساعت می‌تواند انجام دهد چند هفته یا چند ماه طول بکشد.

در این موارد لازم است اقدامات دقیق تر و متشکل تری هم از طرف مهاجرین و مسافرین و هم از ناحیه تشکیلات بهائی مسئول برای کمکهای لازم از قبیل استقبال در موقع ورود و غیره بعمل آید. بهتر است قبلاً بمحافل ملیه و محلیه و لجنات مسئول ورود مهاجرین و مسافرین اطلاع داده شود و کسی با آگاهی قبلی از زمان ورود ضمن استقبال در پیوسته کردن محل اقامت و غیره ایشانرا مساعدت کند. مواردی هست که احباء یا مهاجرین محل تازه واردین را بمنارل خود دعوت می‌کنند در این مورد باید بمشکلات این نفوس هم توجه کرد و متذکر بود که اغلب توجه و محبت این نفوس عزیز سبب میشود که قریانی بی فکری تازه واردین شوند که حتی بعد از چند روز هم بفکر این نیستند که بسه هتل یا پانسیون یا محل اقامت دائمی خود منتقل شوند یا لااقل از میزبان بخواهند که آنها را بدون رودربایستی در مخارج سهیم کند. من مهاجرین بسیاری را می‌شناسم که زیر بار اینهمه مہمانداری و پذیرائی از سلفین و مهاجرین و استقبال از کسانی که سر راه در فرودگاه ترفه کوتاهی دارند و نشان دادن جاهای دیدنی و فراهم کردن محل خواب و تهیه خوراک برای

این نفوس کمرشان خرد شده است . مثل اینکه اینگونه اموریك وظیفه ضروری اجتماعی و حتی دینی آنهاست در صورتیکه درست عکس این صادق است زیرا جمال قدم میفرمایند " دوست بی رضای دوست در بیت او وارد نشود و در اموال او تصرف ننماید . " قبل از اینکه انسان بخواهد بمحلی برود باید از وضع آب و هوای آنجا بخوبی اطلاع حاصل کند . بی اطلاعی در این موارد یکی از مشکلات بزرگ سفرهای من بوده است مثلا " می گویند فلان محل چون در منطقه حاره واقع شده بسیار گرم است حال آنکه باید با اطلاعات بالا اضافه کنند در بعضی فصول و بخصوص بعد از غروب آفتاب حتی در گرمترین جنگها ساعت چهار بعد از نیمه شب گاهی هوا تقریبا " سرد است بطوریکه بعضی اشخاص احتیاج بیوشش گرم و پتسو دارند . باید بخاطر داشت که هوای صحرا و جلگه شب هنگام همیشه سرد است . در مناطق کوهستانی آند ( ANDES ) اگر با لباس گرم در آفتاب می نشستم از گرمای عرق می کردم ولی اگر همان موقع به سایه می رفتم از سرما به لرزه می افتادم . مشکل است که برای چنین تغییر حرارت آنسی انسان آمادگی داشته باشد ولی تجربه طولانی بمن آموخته است ( با اینکه در مقابل سرما بسیار حساس هستم ) اگر بطریقی که من روش لایه های پیاز نام گذاشته ام عمل کنم یعنی وقتی گرم بود لایه های از تن پوشم کم کنم تا بسردی مطبوع برسم و هر وقت سرد بود يك کت یا ژاکت بلباسم اضافه کنم دیگر مشکلی پیش نخواهد آمد . البته محلهائی هم

وجود دارند مثل جنوب هندوستان که هوا تقریبا " در سراسر شبانه روز گرم است و تنها آخر شبها که آب لوله ها و لبرم می شود می توان زیر دوش رفت زیرا در بقیه ساعات حتی آب شهر سرد پوست بدن را می سوزاند . بنابراین روش من اینستکه اگر بکشورهای گرمسیری روم حتما " یکی دو لباس گرم با خود بردارم و اگر بمناطق سردسیر مثل آلاسکا می روم ( در تابستان ) لااقل يك یا دو لباس کتان همراه داشته باشم که در صورت گرمای هوا ( که بندرت اتفاق می افتد ) از آنها استفاده کنم .

يك لباس گرم بهترین تن پوش قابل استفاده است که می توان همراه داشت و چه شبها که من برای خواب از چنین لباسی استفاده کرده ام .

اگر کسی عادت بمصرف ویتامین دارد بهتر است که در سفر با خود همراه ببرد زیرا بجز شهرهای بزرگ در سایر نقاط یا یافت نمی شود یا بسیار تران است این قبیل داروها کمیابند حال آنکه داروهای مانند آسپرین و کرم های پوست را می توان همه جا پیدا کرد همینطور اگر مسافرویا مهاجری بداروهای بیماری قلبی یا پوستی یا آسمو نظایر آن احتیاج دارد بهتر است مقداری از آنها را با خود همراه ببرد زیرا اغلب غم آنچه ممکن است اشخاص در این باره بگویند ممکن است در مقصد نتوان این داروها را بدست آورد .



# ظهور عدل الهی

این توقیع منبعی که بلسان انگلیسی —

Advent of Devine Justice

خواننده میشود توقیعی است که در تاریخ ۲۵ دسامبر ۱۹۳۸ از قلم مبارک حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء خطاب باحیای الهی و اما "رحمن در ایالات متحده امریک و کانادا صادر گردیده و اساس آن متنی برانجام یافته است که در وقت ساله ایست که احیای آن سامان برطبق الواح مبارکه حضرت عبدالبها که در سالهای ۱۹۱۶ و ۱۹۱۷ عز نزول ارزانی فرموده بدان مبارک نموده اند. باوری که یاران الهی استحضار دارند در سنوات مذکوره چهارده لوح مبارک از پراغه مرکز عهد و میثاق الهی خطاب بیاران امریک نازل گردیده که بنیان قیام عمومی جهت نشر نفعات رحمانی را در سراسر کره ارض تشکیل میدهد. این الواح مقدسه که از قلم حضرت ولی امرالله منثور تبلیغی و فرمان الهی و الواح ملکوتی خواننده شده طبق بیان مبارک را عنای تبلیغ عمومی و شالوده و اساس یک نهضت جهانی برای

با انتشار ترجمه فارسی کتاب

"Advent of Devine Justice"

تحت عنوان "ظهور عدل الهی" احیای فارسی زبان سعادت دست یابی بمضامین یکی دیگر از آثار انگلیسی حضرت ولی امرالله رایافتند.

این ترجمه بهمت جناب نصرالله مسودت علیه بها، الله صورت گرفته است. پیش از این نیز احیای ایران بخاطر ترجمه لوح مبارک (God Passes By) که تحت عنوان کتاب قرن بدیع منتشر گردیده است مدیون همت و اقدام این مترجم ارجمند بوده اند.

درک مفاهیم آثار انگلیسی هیکل مبارک حضرت ولی امرالله برای احیای فارسی زبان سعادت است که شاید تحصیل آن جز بهمت جنین بزرگواران میسر نباشد.

بقینا "ترجمه فحیم و دلنشین این دو سفر جلیل یادگاری پیرایه از این مترجم والا قدر نزد همه احیای فارسی زبان و کسانی خواهد بود که در طی سالیان از طریق ترجمه این آثار مبارک با مفاهیم مندرج در آن تماس خواهند داشت.

اقدامشان مشکور و همشان مأجور باد. آهنگ بدیع خوشوقت است توضیح کوتاه سی را که مترجم محترم درباره کتاب "ظهور عدل الهی" مرقوم داشته اند بنظر خوانندگان گرامی برساند و رجاء واثق دارد که احیای الهی هر یک با مطالعه ترجمه این اثر نفیس بهره خویش را از مفاهیم آن دریابند.

آهنگ بدیع

اشاعه و انتشار کلمه اللهد رسراسر بمسلسط-  
 غمر است در این توقیع مبارک هیکل اطهر  
 اقدامات و مشروعات جامعه بهائی امریک  
 را مورد مدح و تحسین و فخر قرار داده و  
 آنان را در انجام خدمات جدیده طیل  
 نقشه هفت ساله که در اجرا و تنفیذ صلاهی  
 مقدس حضرت عبدالبهاء اختیار گردیده  
 تشویق و ترغیب مینمایند و دستورات و تعلیمات  
 لازمه جهت موفقیت و پیشرفت این نهضت  
 عظیم صادر میفرمایند. در توقیعاتی که  
 بعد از این تاریخ نازل گردیده و وجود  
 مبارک نقشه حاضر یعنی نقشه هفت ساله  
 اول را در دوره اول از مرحله اولای نقشه تبلیغی  
 و نقشه هفت ساله دوم را در دوره دوم و نقشه  
 بدیعه ده ساله یعنی جهاد کبیرا کبریا که  
 اختتامش مقارن با صدمین سال اظهار امر  
 حضرت بهاء اللهد رسال ۱۹۶۳ است دوره  
 سوم و دوره اخیر نقشه تبلیغی یاد فرموده اند  
 نقشه هفت ساله اول شروعش سال ۱۹۳۷ و  
 خاتمه اش سال ۱۹۴۴ انقضای قسرن اول  
 بهائی و نقشه هفت ساله دوم آغازش سنه  
 ۱۹۴۶ و پایانش سال ۱۹۵۳ یعنی سنه  
 مثنوی تجلی روح اعظم بر قلب مردم جمال قدم  
 جل اسمه الاعظم در سیاهچال طهران است  
 نقشه هفت ساله اول متضمن سه هدف اساسی  
 بوده اول تشکیل یک محفل روحانی در هر  
 یک از ایالات و ولایات غیر مفتوحه آمریکا شمالی  
 دوم تأسیس یک هسته مرکزی یعنی یک جمعیت  
 بهائی در هر یک از جمهوریات امریکای مرکزی  
 و جنوبی سوم اختتام تزئینات خارجی  
 مشرق الاذکار.

حضرت ولی امر الله در لوح مبارک قرن میفرمایند  
 "فرمان الهی خطاب بفارسیان مضماری

خدمت در امریک رسماً ابلاغ گشت و تبلیغ  
 تبلیغ تبلیغ که بصورت الواح مخصوصه از قلم  
 میثاق خطاب بجمهور مومنین و مؤمنات در آن  
 دیار صادر در انجمن روحانیان در عهد رضوان  
 در آن سامان تلاوت گشت و اعلان شد و در  
 توقیع مورخ ۱۰۵ بدیع این بیانات عالیجات  
 مذکور " تبلیغ تبلیغ فرمان الهی خطاب بالذین  
 اختارهم الله لتسخیر العنن و اولاد یار و رفیع  
 علم الاستقلال و حماية المستضعفین فی البلاد  
 شامل تعلیمات کافی و وافیه و متضمن دستورات  
 خطیره منیعه در الواح متعدده مخصوصه  
 از قلم معجز شیش صادر گشت.

در این توقیع یعنی توقیع ظهور عدل الهی  
 شرایط و احوالی که در آئینه ایام رخ خواهد  
 گشود و وقایع و حوادث عظیمه بهیبه ای که  
 پیش آمد خواهد نمود بصراحت بیان مذکور  
 در این مقام میفرماید " از جمله فرصتهای  
 جلیله بدیعه انتخاب دیوان عدل اعظم  
 الهی و استقرارش در ارض اقدس مرکز روحانی  
 و اداری عالم بهائی مع شعب و ذرات تابعیه  
 و مشروعات و تأسیسات منصفه آن معهد اعز  
 اعلی است " دیگر از مسائل مذکوره نزول  
 تأییدات غیبیه الهیه و لزوم قیام فرد فرد احبا  
 در کسب الطاف و فیوضات ربانیه است بقوله  
 العزیز " این مواهب و الطاف هر چند به  
 یقین مهین شامل حال خواهد گشت و هم  
 وساعی یاران بما کلیل قبول مکل و بطراز  
 توفیق مطرز خواهد شد و ان هذا الوعد  
 غیر مگذوب معذک باداش و ثمر مجهودات  
 هر یک از دوستان منوط بمیزان همت و  
 مجاهدتی است که هر فرد بنفسه در رحمت  
 خصوصیه خویش ابراز و در نشر و گسترش رسالت  
 الهی و تسریع در فتح و ظفر موعود رحمانی



مبذول خواهد داشت .

دیگر از مسائل مذکوره بیان اصل عدالت است که اکتیل جلیل و مابه الامتياز کافه محافل محلیه و ملیه ارکان و قوائم دیوان عدل الهی بشمار میآید . در این مقام از قلم جمال اقدس الهی این بیان احلی صادر " یا حزبالله مرسی عالم عدل است چه که دارای دورکن است مجازات و مکافات و این دورکن دو چشمه اند از برای حیات عالم " همچنین " قل انه ظهر بعدل تزیین به العالم و القوم اکثرهم من الناعمین " دیگر کرتقدیس و تنزیه و احتراز از شئون عالم ناسوت است بقوله " الکریم " ای احبای حق از مغازه ضیقه نفس و کسوی بقضا های مقدسه احدیه بشتابید و در حد یقتقدیس و تنزیه مأوی گیرید تا از نفعات اعمالیه کل بریه بشاطی عز احدیه توجه نمایند "

دیگر اجتناب از تعصبات جنسیه است در این خصوص بیانات مبارک به تفصیل موجود و مشهور و بکمال تأکید یاران الهی را مأمور میفرمایند که در این مقام نهایت سعی و اهتمام مبذول و استقامت و پایداری و شهامت و فداکاری و حسن تدبیر و همدردی و فیض معمول دارند . در این باره بیان مبارک چنین است " در این هنگام که قسمت عظیم و دایم التزاید جامعه بشری معرض چنین ظلم و اجحاف و محل اینگونه تعدی و اعتساف واقع گردیده انسلاخ از تعصبات جنسیه که هادم بنیان انسانی است بهر صورت و نوع باید شعار جامعه بهائی و محور آراء و مجهودات یاران معنوی قرار گیرد در هر ایالت مقیم و در هر اجتماع داخل و در هر مرحله از عمر وارد و بهرگونه آداب مؤدب

و از هر قسم خصائص و اوصاف مستفیض و بهره مند باشند این شیوه مرضیه باید همواره در کلیه شئون و مظاهر حیات و خدمات و فعالیت های یاران در داخل جامعه و یا خارج از آن - چه در مواقع خصوصی و چه عمومی چه رسمی و چه غیر رسمی چه فردی و چه اجتماعی و یا بصورت مشخص تشکیلاتی مانند هیئتهای امریه و لجنه ها و محافل روحانیه مشهور و جلوه گر باشد .

دیگر از مواضع مذکوره بیان اهمیت تبلیغ و نشر نفعات الهیه و لزوم قیام افراد در - تحقق نهضت تبلیغی و اجرا " فرمان ملکوتی حضرت عبد البهاء است . در این خصوص میفرمایند " شایسته و سزاوار آنکه در ایمن لحظه خطیر جمعی منجذب و فداکار دامن همت بر کمزرنند و زمین و دیار و اوطان و اوکار خویش در گذرند و چون طپور شکورد راج عزت ابدیه پرواز نمایند و بموجب بیان اقدس اعظم اکرم که میفرماید " ینبغی لهؤلاء ان یکون زادهم التکل علی الله باتوشه توکل و انقطاع باقالیم شامعه بعیده و اشطار غیر مفتوحه توجه کنند و بکمال ثبات و استقامت به تسخیر مدائن قلوب پرازند قلوبی که بفرموده مبارک بقوه وحی و الهام منقلب گرد و بمدد ذکر و بیان تصرف شود بقوله العزیز " وانها یسخر یجنود الوحی والبیان " .

دیگر از مطالب مورد ذکر موقوف حضرات اماء الرحمن و مراتب خدمت و مجاهدت و توفیقات و تأییدات کثیره آن نفوس مقدسه است در - این خصوص میفرمایند " در این مقام چون خدمات گرانبهائی را که حضرات اماء الرحمن کنیزان جمال اقدس الهی از بد و طلوع و اشراق امر قدس الهی در پارغریسه نسبت به

تسخیر مدن و فتح اقطار رسراسر کره ارض -  
 فریداً و حیداً انجام داده اند در نظر  
 آرم خود را ملزم می‌شمارم که نه تنها مراتب  
 تجرد و انقطاع و قیام و همت و استغناء  
 و شهادت آنان را که فی الحقیقه خاطرات  
 جانفشانی مردان دلاوری را که در صد امر  
 مایه بسط و اعتلاء آئین اعز اقدس ابهتی  
 گردیده اند تجدید مینماید تجدید و تقدیر  
 نماید بلکه اهمیت چنین سهم عظیمی را که  
 نساء غرب در تقویت و استقرار امر الهی  
 در بسط غیرابنصر ظهور رسانده و می‌رسانند  
 بیان کنم و بستانم  
 دیگر ذکر جوانان بهائی و اهمیت ورود ایشان  
 در دایره خدمات امریه است در این خصوص  
 می‌فرمایند " هر چند تجارب ایشان قلیل  
 و بضاعتشان مزاجاً و زهداً ولی روح همت  
 و شهادت و فعالیت و آمادگی بخدمت و  
 بالاخره امید و اطمینان که تاکنون با علاقه  
 و تمسک تام از خود ظاهر و آشکار ساخته اند  
 آنان را مستعد و لایق آن میسازد که در آن  
 اقالیم در برانگیختن افکار جوانان و جلب  
 و جذب آنان بآئین حضرت رحمن سهم  
 بزرگی برعهده گیرند هیچ امری نمی‌تواند  
 مانند شرکت مداوم و موثر و خردمندانه  
 جوانان بهائی از هر طبقه و ملت و قوم و  
 عشیره در دایره خدمات تبلیغی همچنین  
 مجهول آزاری روح جوان و نیروی فعالهای  
 را که مقتضای حیات و محرک تاسیسات امرنویز  
 الهی است در انظار ناس در هر دو قاره  
 مشهود و جلوه گرسازد .... امیدوارم و بجان  
 و دل دعا و مناجات نمایم که چنین اشترک  
 مساعی نه تنها موجب از یاد افتخار و قدرت  
 و مزید اعتلاء و شهرت امرالله گردد بلکه نفس

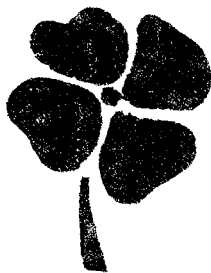
همکاری در حیات روحانی جوانان و تقویت  
 قوای آنان چنان نافذ و موثر افتد و ارکان  
 و جوارح جامعه بهائی را بدرجه ای متحد  
 و مرتبط نماید که بیش از پیش با براز قابلیت  
 و استعداد ذاتیه خویش موفق و بهر حلقه  
 بدیمی از تکامل روحانی در ظل امر حضرت  
 سبحانی نایل و مفتخر گردند "

دیگر ذکر عود و بشارات مبارک حضرت -  
 عبدالبهاء در حق احبای امریک و لزوم قیام  
 و استقامت یاران برای تحقق نوایای الهیه  
 است در این مقام می‌فرمایند " دوستان عزیز  
 و محبوب این است در ورنمای مجلی که اکنون  
 در برابر دیدگان جامعه بهائی امریک  
 لایح و نمایان و مستعدی بذل همت و  
 مجاهدت فراوان در سنین اخیره قرن اول امر  
 حضرت بزرگان است این است شئون و احوال  
 و این است شرائط و اوصاف که برای شمول  
 توفیق در انجام وظائف و مسئولیتهای خطیره  
 یاران بنحو اکمل و اتم مورد نیاز و ضرورت است  
 این است مقتضیات و امکانات و این است  
 اهداف نقشه منبغه ای که مستلزم قیام اقدام  
 تا آخرین سرحد توانائی و امکان است در این  
 سنین معدود فرود گذر جهان بشریت آستن  
 عوارض عظیمه و بلاهای عظیمه سقیمه ایست که  
 چشم عالم شبه آن را ندیده و در انتظار  
 انقلابات و وقایع هائله ایست که صفحات  
 تاریخ نظیر آن را درج ننموده است خطرات  
 و آفات هر چند صائل و مهیب و هیوب عواصف  
 امتحان هر قدر پر وحشت و شدید و سیل  
 جارف بلیات هر قدر آرمند هس و و بیل هرگز -  
 نباید اشعه فروزان ایمان را در قلوب و دستان  
 افسرده نماید و اعین و ابصار را مقتمسوع  
 و تصمیماتشان را متزلزل و مقطوع سازد "

دیگر ذکر بیانات مقدسه منزله از قلم جمال  
 قدم جل اسمع الاعظم راجع بعظمت امرالله  
 و مقام این یوم عظیم و امتحانات و افتتانات  
 الهیه است بقوله الکریم "لعمری ان الامر عظیم  
 عظیم والیوم عظیم عظیم". "قد بشر کل نبی  
 بهذا الیوم و نوح کل رسول حیال هذا الظهور"  
 "تاله قد ظهر ماکان مخزونافی ازل الازل  
 فی علم الله عالم الغیب والشهود". "هذا یوم  
 فیه یقول الالهوت طویس لك باناسوت یما -  
 جعلت موطنی قدم اللومقرعرشه العظیمم".  
 "هنگام فنای عالم و اهل آن رسید آمد آن  
 کسی که باقی بود تا حیات باقیه بخشد و باقی  
 دارد و مایه زندگی عنایت فرماید". "الامر  
 عظیم عظیم زود است که انقلاب اکبر ظاهر  
 فونفسه الحق که تفصیل فرماید مابین کسل  
 حتی بین طائفین حول". "بگوای نادانان  
 گرفتاری ناگهان شمار ازین کوشش نمائید تا  
 بگذرد و بشما آسیب نرساند".  
 در خاتمه بیان مبارک راجع به سر نوشت  
 امریکا و مقام و موقعیتی است که قلم ملهیم  
 حضرت عبدالبها "روح الوجود لرمسه الاظهر  
 فدا" برای موفقیت روحانی آن سرزمین ترسیم  
 و تصویر فرموده است در این مقام در توقیع  
 منبع مذکور است "در آن هنگام و فقط در آن  
 هنگام است که ملت امریک که در بوته افتتانات  
 شده و آتش محاربات عمومیه تطهیر شده  
 و بشدائد آن مانوس گردیده و از تجارب آن  
 درس عبرت گرفته خود را در مقام و موقعیتی  
 مشاهده مینماید که صدای خود را در مجامع  
 عظیمه عالم و محافل متشکله امم مرتفع و حجر  
 زاویه صلح عمومی و مؤید جهانی را بدست  
 خویش برقرار سازد و اتحاد و اتفاق بشرو بلوغ  
 و آمادگی آن را در ارتفاع خیمه وحدت انسان

و تأسیس مدنیت لاشرقیه و لاغربیه در قطب  
 امکان اعلام و در استقرار صدق و صفا و آشتی  
 و وفادری بسیط غیرا چنانکه در کتب و زبیر  
 قیمه الهیه بشارت داده شده جهد موفورو  
 سعی مشکور مبذول دارد و باز در آن هنگام  
 و فقط در آن هنگام است که ملت مذکور در  
 حالی که جامعه بهائی آن کشور در قلب آن  
 سرزمین رسالت معنویه خویش را بنحو اتمم  
 و اوفی با کمال رسانیده قادر خواهد بود مقام  
 رفیعی را که بد قدرت سبحانی برای آن مقدر  
 فرموده و بنحو اید در آثار و بیانات مقدسه  
 حضرت عبدالبها "مخزون و مکنون است  
 بعرضه شهود رساند و بانجام امور عظیمه ای  
 موفق گردد که بفرموده مبارک "صفحات تاریخ  
 بدان تزئین یابد و السنه ام در شرق و غرب  
 عالم بد کرخیرو ثنای اوصالوف شود مغبوط  
 جهانیان گردد و مورد نظر العالمیان (ترجمه)"  
 این بود شمه ای از بیانات مبارک که در این  
 توقیع منبع موجود و برای استحضار عموم مذکور  
 گردید امید است یاران الهی به تلاوت این  
 مجموعه نفیس که اخیراً تکثیر و انتشار یافته  
 اقدام و بکمال دقت و فراست مندرجا بآن  
 را مطالعه نمایند و از دریای بیکران آثار الهی  
 جواهر حقایق و معانی بدست آورند.

پایان





جمع‌ده‌ای از احبای ایکو اوبو  
Ikot-Ubo. ایالت جنوبی نیجریه



غرفه دیانت بهائی در نمایشگاه  
ملی صنعتی و بازرگانی مسکو  
هندوستان و عدای از احبا به همراه  
جناب لنده عضو هیات معاونت .

# اوه و سار

موجی د میدان دل دریا و اوج یافت

بنشست غره بر سر امواج د یگری

د یوانه واروکف بد هان باغریو و جوش

بر آب تاخت همچو شهبخون بر بری

گفت آن زمان گذشت که بودم درون بحر

تا چیز قطره هائی ، از هیچ کمتری

امروزه حکمرانی امواج با منست

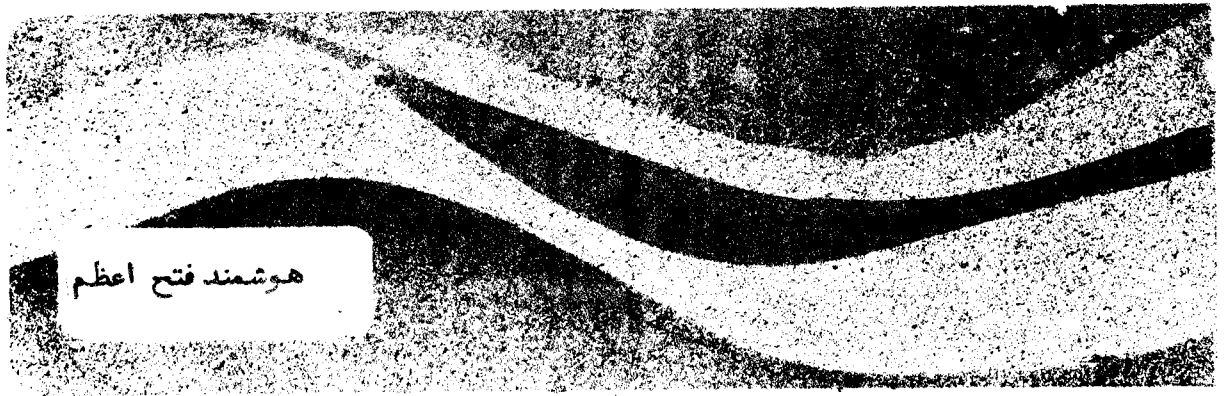
زیرا که نیست پیش من اینک برابری

آن موج کو که کوفت د می پیش بر سرم

مشت گران چوپتک بسند ان پتگری ؟

آن باد کو که داده بدست رقیب من

اورنگ خسروانی و د بهیم افسری ؟



هوشمند فتح اعظم

اکنون رواست حکم مراهر کرانه ای

اینک مراست پهنه دریا سخری

این موج سر بلند چنین لاف زد و لیک

تا که شکست از هم و گردید مضطری

از یک نسیم کش بوزید از کناره ای

پاشید و ریخت همچو شرابی ز ساغری

هر قطره اش بسوئی و هر ذره یکطرف

برجست و مُرد همچو شراری به مجسری

زان جوش و آن تلاطم دیگر اثر نماند

دریا بماند ساکن و دامان گوهری

موجی دیگر دمید ز دریا و اوج یافت

بنشست غره بر سر امواج دیگری . . .

# علم و دیانت پرهیزی

● اثری از: نرمن بعلی  
استاد تاریخ علوم سیاسی  
نیو یورک

● ترجمه: هدایت‌الله رحیمی  
از جمله WORLD ORDER

“... و من جوهر العلم اظهر تک ...”

کلمات مکتوبه

نگارنده پس از سالها مطالعه و تحقیق در تناقضات عالم انسان باین نتیجه رسید که روش‌های علمی را در مطالعه اعمال و رفتار انسان که مورد اختلاف علماست بکاربرد و آزمایش کنم این تحقیق بنوبه خود مستلزم مطالعه در فلسفه علم بنحو اطلاق بود و از طریق این تحری و تجسس نهایتاً به نتیجه‌ای بسیار جانب و هیجان انگیز رسیدم و آن اعتقاد علمی به وجود خداوند قادر متعال بود.

من در کلیه سالهای جوانی عمر خود فردی بی اعتقاد بوده و بمذاهب اعتنائی نداشتم و اگر نخواهیم این طرز فکر را اعتقاد ضعیف مذهبی بنامیم لا اقل آنرا میتوان به لامذهبی

عالم فکر و عقل طی قرون متعادی در چسبندگی انشاقی مخرب و بی ثمر بین معتقدین به مذاهب و طرفداران قرص‌های علم بوده است. متدینین هواداران علم را بسبب سیاحت تکفیر می نواختند و به طعن مادی پرستی ملعون و مطرود میدانستند و مجاهدات طریق علم اصحاب دین را مشتی خرافانه پرست که در روادی جزم متوقف و به شعاع‌ها و تشریفات دین محدود و بندبشمار می‌آوردند. این اختلاف و تنافر که همیشه با جهل و جاهلان و جمود فکری هردو گروه همسرا بوده است لطمه غیر قابل جبرانی به کسار بسیار مهم و اصیل تحری و کشف حقیقت و تجسس طریق حق و فضیلت وارد ساخته است.



تعبیر کرد چه که در آن ایام وجود خداوند  
روح و عوالم روحانی را یکی منکر بوده و مورد  
میدانستم.

اخیراً پدرم که عالمی متبحر و دارای شهرت  
جهانی بود درگذشت و پیرنامه ای که جهت  
مراسم تدفین و تذکر مشارالیه تهیه و منتشر  
شده بود قسمتی از وصیت نامه او که شامل  
اعتقاد راسخ و شهادت کامل او بر وجود  
خداوند متعال بود نیز درج شده بود و  
با نهایت تعجب دریافتم که در واقع ایمن  
شهادت عین نتیجه کوشش های من در تجسس  
حقیقت بود و همان استنتاجی را که من  
مستقلاً از مطالعات و تحقیقات خود  
داشتام او نیز قبلاً بدست آورده است.  
قسمت آخر شهادت نامه پدرم متضمن عبارت  
ذیل بود:

"اعتقاد به خداوند یک عقیده صحیح و موجه  
است زیرا فرض و تصور اینکه عالم امکان در  
جمع شئون متنوعه و لایزال خود بر حسب  
تصادف بوجود آمده غیر منطقی است تصادف  
فقط موجد بی نظمی دائم التزاید و تباہی  
است و عکس آن که اراده نظم است، مایه کون  
و ثبات می باشد که آن همین قصد است و قصد  
منبعث از ذات قاصد است که در این نشاء  
واجد اراده مازلی و قاصد حقیقی ذات خداوند  
تبارک و تعالی موجد عالم کون و مقلب لاهوال  
والاکوان است."



حال بینیم علم چیست

به تعریفی ساده علم طریق تجسس و  
تحقیق دقیق و منظم جهت وصول به دانش  
حقیقی و معرفت اساسی به ساختمان و چگونگی

و طرز عمل و روابط نسبی عوامل و عناصر  
تشکیل دهنده عالم است.

کلیه دانشمندان اعم از علمای فیزیک یا  
زیست شناسی و یا علوم اجتماعی عملاً با این  
تعریف یا چیزی مشابه آن موافقت و همچنین  
در مورد مقصد و هدف از کوششهای علمی  
نیز توافق دارند که منظور اصلی قادر ساختن  
بشر است پیش بینی علمی و آلاً "انتظام روابط  
عالم مادی و قراردادن مظاهر آن تحت  
تسلط و اراده انسان و استفاده از آن عوامل  
با کارائی و اطمینان بیشتر از آنچه کسه  
صرفاً طی تجربه و با اشتباهات مکرر ممکن است  
حاصل گردد و لکن در مورد اساس و روش هایی  
که کوششها و پژوهشهای علمی بر آن استوار  
است تناقضاتی وجود دارد هر چند که مباحث  
متنوعی در باره علم و اصول علمی بوجود  
آمده است و لکن از میان همه دو فلسفه  
اصلی را میتوان نام برد که وسعت بیشتری در  
صحنه مباحثات علمی دارند و آن دو عبارتند  
از فلسفه احتمالات و فلسفه یا فرضیه نظم.

پد بی

فرضیه احتمالات علم به فیلسوف شهیر  
امریکائی ارنست نیجل (Ernest Nagel)  
مرتبط است که مدعی است بدو "کلیه حقایق  
عالم مادی - وضع ساختمان و نیز روابط  
بین آنها در اثر اقتران تصادفی بوجود  
آمده و این موجودات بنوبه خود موجب پیدایش  
اقترانهای تصادفی دیگر شده و بهمین ترتیب  
الی غیرالنهایه موجودات باعرضه دنیای  
مادی گذارده است.

بنابراین فرضیه کلیه اطلاعات معتبر علمی  
بر اساس احتمالات و فرضیات است ولو آنکه  
در مراتب و درجات این فرضیات تفاوت های

بسیاری وجود دارد مثلاً اینکه اگر هیدروژن و اکسیژن تحت شرایط خاصی ترکیب شوند آب بدست خواهد آمد و یا اینکه تحت شرایط خاص برخی از پرندگان لانه خود را بطریق خاصی مخصوص خواهند ساخت - یا اینکه گروهی از مردم تحت وضع و شرایطی خاص عکس العملها مشخص و شناخته شده بروز خواهند داد که بطور کلی همه مفید این معنی است که در علم تنها استدلال استقرایی سندیت و اعتبار دارد و این معنی بوسیله یک سلسله فرضیات و احتمالات آماری نشان داده شده است . اما فلسفه و فرضیه مقابل آن فرضیه سیستماتیک علم یا فرضیه نظم بدیهی است که بوسیله کارل پاپر آلمانی بنیان نهاده شده است و مدعی است که اساس اطلاعات علمی و اکتشافات و معلومات فعلی بشر در حقیقت یک نسخ یکدست و بدون شکاف است علم یک سلسله استدلالات منطقی و قیاسات مفید به یقین در پیما ر روابط تصادفی بین عناصر متشکل عالم مادی است . همانطور که تعدادی از قضایای علمی در نتیجه قیاس منطقی ناشی از قضایای بدیهی قبلی که بصورت علوم متعارف بشری جلوه گراست و با تغییراتی که ناشی از تجربه عملی است واجد هویت مشخص میگردد بهمین نحو خود آن قضایا بعنوان علوم متعارف سه جدید مبنی و اساس تعدادی دیگر از قواعد و اصول علمی قرار گرفته و بهمین ترتیب سلسله پیدایش علوم جدید ادامه پیدا میکنند . بنابراین اگر به عقب متوجه گردیم می بینیم که کلیه شعب و شاخه های علوم هم از علوم اجتماعی یا زیست شناسی یا فیزیکی و غیره بر تعدادی قضایای بدیهی استوار است که طبقات و انواع مختلف پدیده های متنوع

عالم مادی را تعریف و توصیف و تشریح - مینماید و در واقع قواعد و اساس و اصول اصلی علم ما را در باره عالم مادی بهمیزانی که قابل درک عقول و تفکرات محدود بشری است تشکیل میدهند . این قضایای بدیهی که غایت درک بشر است ناچار بنوبه خود از مفروضات بازهم بدیهی تر و اساسی تر که در دسترس انسان نبود هو بشر قادر به کشف آن نیست هستی گرفته است فیض از بداهت مطلق و عقل کل و واضح اصول اولیه داشته و جوهر علم را از کف ساقی احدی به نوشیده است .

این فرضیه با اساس معتقدات بهائی نیز منطبق است چنانچه حضرت عبدالبهاء در یکی از بیانات مبارکه میفرمایند (ترجمه بمضمون) " کلیه اشیا بهم مرتبط است و هر پدیده از فرضیات قبلی بهره گرفته است واضح اولیه اصول و فرضیات علمی خداست . این ذرات لا یتناهی در کلیه اشکال خود نمودی از کمال الهی دارند ."

در دستگاه علمی مبتنی بر فلسفه انتظام بدیهی استقراء تنها یک عامل ترمیم شکاف است تا هنگامیکه وجود رابطه علیت بین قضایا را بتوان بر اساس استنتاج منطقی مشخص و ثابت نمود . فرضیه انتظام بدیهی که فوقاً اشاره شد همان نظریه ای است که پدرم نیز بدان معتقد بود و من طی سالها تخصص و مطالعه بدان دست یافته و اعتقادی تام داشتم این نظر با اصل حقیقت پدیده های مادی عالم نیز که اغلب ادیان بآن معتقدند منطبق است ولیکن در هیچیک از ادیان سالفیه بوضوح و اتفاق و استحکامی که در دین است بهائی تشریح و تبیین شده بیان نگردیده

است .

در سطور آینده اشاراتی در اثبات این امر از بیانات مبارکه حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء خواهیم داشت .

از جنبه روحانی آثار و نتایج فرضیه انتظام منطقی و بدیهی علم بسیار واضح است قبول می کنیم که چیزی مافوق بشر و ماورای درک و فهم محدود او که در همین حال از لحاظ قوه استدلال و تفکر و تنظیم و خلق آثار شبه بشر است وجود دارد .

اگر بر اساس این فرضیه استدلال کنیم که مغز متفکری در کار است و انتظام عالم درید قدرت اوست که کائنات ماورای فهم و درک قاصر ما بقدرت و اراده او خلق شده و اوست که بما و سایر موجودات به نسبتی بسیار کمتر قدرت تعقل و تفکر و خلاقیتی مشابه خود بخشیده است تصور اینکه خلق جمیع این آثار و صفات و موجودات عبت و مبتنی بر هوس و خالی از منظور و مقصد باشد بسیار مضحك و غیر منطقی خواهد بود .

افتخار و امتیاز علما در کشف جنبه های پوشیده و خفی طرح علمی آنها است افتخار و امتیاز هنرمندانست که در تقلید از اثری خلق اثر جدید کند همچنانکه مدبر در تعشیت امور از خلاقیت و ابتکار شخصی بهره میگیرد .

باین ترتیب هر خالق از قوای خلاقه ای که در بعه الهی است برای پیشرفت مقصد و نیل به هدف خود بهره میگیرد لذا هیچ خلقی بی هدف و مقصود نیست اگر جمله مشهور انجیل را که میفرماید :

"... در ابتدا کلمه بود ... و کلمه خدا بود ... " از متن اصلی آن که یونانی است بخوایم دقیقاً ترجمه کنیم جمله ای با معنسی

و مفهومی مشابه ولی محکم تر و صحیح تر خواهیم داشت باین مضمون " ... منطق لزوم ذاتی ماقدیم بود ... و منطق خدا بود ... "

هر عالم برجسته دینی در علم منطق متبحر است و نیز آنرا تعلیم میدهد . اغلب آنها این عقیده را بیان داشته اند که شخص اگر متبحر در کلیه علوم ولی از منطق بی بهره باشد قابل اعتماد نیست .

ظهور مظاهر مقدسه الهیه نمایانگر بسط و توسعه تدریجی درک انسان از مسائل عالم کون در مراحل مختلفه تاریخ بشر است که ما را مرحله به مرحله به درک مظاهر مختلفه روحانی و مادی این عالم نزدیک ساختند و علم را با منطق الهی بروح بشر نزدیک کرده اند .

معتقدات بهائی فرضیه نظم منطقی علم را پذیرفته و با آن کاملاً مطابق است این مطلب از بیانات مبارکه که در مواضع مختلفه تشریح فرموده اند روشن است : هیچ شك و شبهه ای نیست که هر يك از اسباب و وسائل ظاهری استنتاج منطقی یعنی قوای باصره و سامعه و غیره همواره بر قوه تعقل و تفکر انسان تکیه داشته و ناشی از آن است و نیز این نکته روشن است که قوه تعقل و تفکر در انسان ظهوری از عقل کل و جلوه ای از منطق مطلق و ذات غنی لایدرک است و ظهور و جلوه عقل کل کشف اسماء و صفات الهی در عالم انسانی است .

بفرموده حضرت عبدالبهاء " روح انسانی که ماهه الامتیاز انسان از حیوانست همان نفس ناطقه است و این دو اسم یعنی روح - انسانی و نفس ناطقه عنوان شیئی واحد است .

کشف اسما و صفات ناشی از ظهور عقل است که خداوند بوسیله روح انسانی با قوه عقلانی ظاهر فرموده و ذات الهی به سلطان اسما تعبیر شده است

جل اقدس الهی در هفت وادی مقصود از طی هفت وادی در طریق و صول به حقایق را - سفر در گستان علم و حکمت توصیف میفرمایند و نفوس را که چون باد و برق از عالم اسما گذشته و به ماورای صفات به حقایق روحانی قدم می نهند تمجید میفرمایند . حضرت عبد البها در الواح و بیانات متعدد از علل و روابط منطقی در عالم بحث میفرمایند .

" علم کاشف گذشته است و انسان از مقدمات و قضایای گذشته و حال به نتایج منطقی آینده پی می برد " (ترجمه به مضمون)

به بیان مبارک احملی که زیلا نقل میشود توجه فرمائید که چگونه مباحثات پیچیده فلسفه سوفسطایی را که در رد خلقت الهی کائنات اعلام شده مردود می شمارند :

"... ترکیب منحل سه قسم می شود یا ترکیب عناصر تصادفی است یا ترکیب لزوم ذاتی یا ترکیب باراده حق قدیر اگر بگوئیم ترکیب عناصر ترکیب تصادفی است باید قائل بمعلول بی علت شویم و این واضح البطلان است و یا ترکیب لزوم ذاتی است لزوم ذاتی انفکاک نتواند مثلاً حرارت برای آتش لزوم ذاتی است رطوبت از برای آب لزوم ذاتی است لکن حرارت از آتش و رطوبت از آب انفکاک نمی کند پس مادام که این ترکیب لزوم ذاتی است تحلیل و تفریق ممکن نیست چه که لزوم ذاتی انفکاک نمی باید آن قسم ثانسی نیز نیست پس چه ماند قسم ثالث ترکیب

عناصر بتقدیر حق قدیر ترکیب عناصر حصر در این شد پس ثابت شد که کائنات را موجدی است ..."

در بیانات مبارک حضرت بهاء الله حضرت عبد البها اشارات لاتعداد و لاتحصی باین مراتب وجود دارد که ولو ظاهراً مخالف با معلومات موجود اینها زمان بوده و آنرا مردود میسرند معذک بتدریج با کشف حقایق

پیشرفته علمی در زمان حاضر تطابق آن - با علم مسلم گردید بطور مثال میتوان اصل تمایز نوع انسان از سایر انواع و قدمت بشرو حیات بر روی زمین بطور کلی را نام برد .

خلاصه آنکه تطابق و هم آهنگی کامل بین دیانت بهائی و علم وجود دارد این فرض و وظیفه است که تاریخ بمعهد محققین و دانشمندان و بلکه جامعه بشریت گذاشته

که حقایق و روابط علمی را بچنان سطحی از ارتقا و اعتلا برسانند که منطق انسانی خود بخود در منطق الهی تحلیل رود و علم

بشری به علم الهی تسلیم گردد . فضائل عالم انسان بسیار است و لکن علم اعظم منقبت است و صفت معیزه و قدرت فائده -

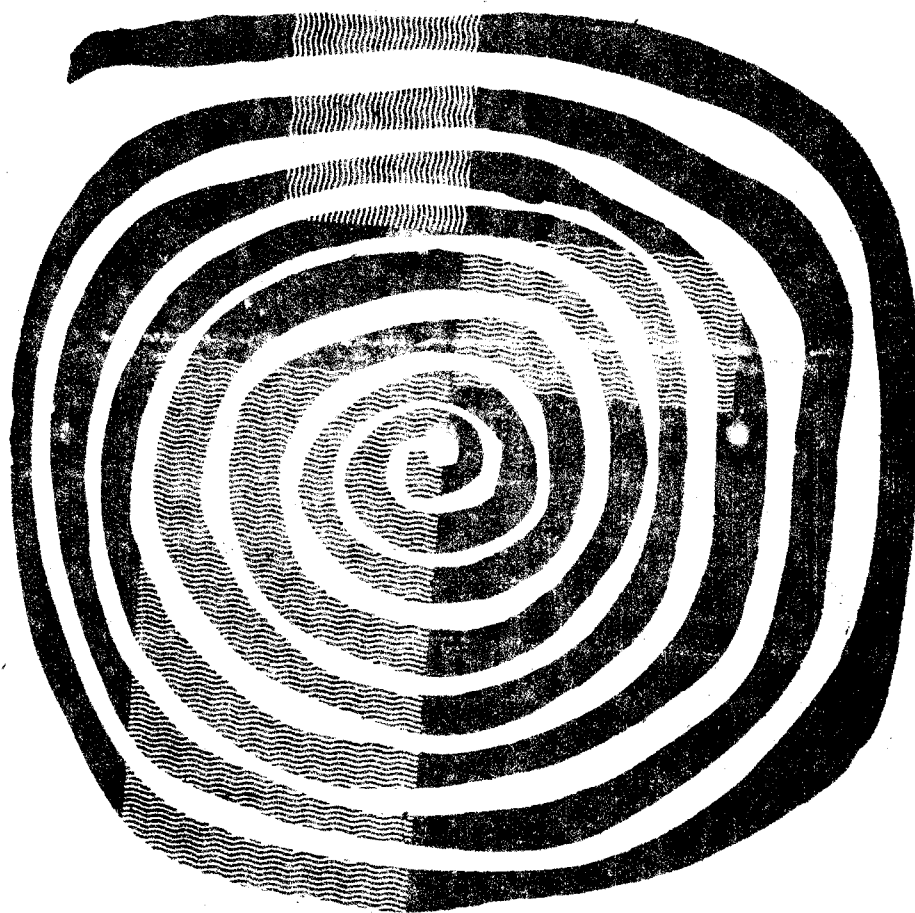
ای که انسان را از سایر انواع مخلوقات مشخص و ممتاز میسازد ناشی از همین فضیلت است علم موهبت الهی است عطیه آسمانی است علم اشعه شمس حقیقت است

قدرت تحری و کشف و درک حقایق اشیا . است قدرتی که مالا مارا براه خداوند و بطریق هدی و سعادت گیری دلالت میکند کلیه

قوا و حواس و صفات انسانی میراث بشری است بجز قوه عقل و تفکر که فوق طبیعی است این نشأه الهی است سرچشمه آن -

فیض لایتناهی و قوه قدسیه ملکوتی است  
این قوه الهیه که تفکرات عقلانی و استنتاجات  
منطقی را ممکن میسازد بشر را قادر خواهد ساخت

که اسرار و حقایق مودعه در کائنات را کشف  
کند بر آینده تسلط یابد و سعادت و  
جهان را برای عالم انسان تأمین نماید .



---

# از یادداشت‌های جناب حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی

... حضرت نایب السلطنه کامران میرزا فرمودند ما تا تمام بهائیانرا شناسیم و از مقاصدشان مطلع نشویم راحت و مطمئن نمی شویم و دولت در خطر عظیم است از حضار عرض کرد از معارفشان که همه را می شناسد و همه اورا میشناسند بگیرید و تطمیع فرمائید و خلعت و انعام بدهید و اگر نشد شکنجه و عذاب کنید تا بروز دهد و بگوید و همه را عارف شوید فرمود مکرر واقع شده است که آورده ایم و انواع و اقسام عقوبت را نموده ایم نگفتند وقتی ملا علی اکبر را که از معارفشان است خواستیم و هرقد رنوازش و مهربانی فرمودیم و وعده انعام و احسان کردیم و خواستیم که نشان دهد و اسامیشانرا بگوید گفت خود بهائیس هستیم و احدی را نمی شناسم و بعد بسیار زجر و عقوبت و عذاب باو نمودند و صبر کرد و ستر نمود تا حاضرش نمودیم و فرایشان و میرغضبان آمدند و آنچه شکنجه و عذاب نمودند اظهارنداشت و پس از انذبات بسیار که نفسی طاقت تحمل آنرا ندارد امر دادیم که در مجلس مقابل عیون دند انهایشرا بکنند و بسرش بکوبند در این حال بکلی عاصی شد و گفت بچه انصاف و مروت و دیانت و خداپرستی اگر بدانم و بشناسم بگویم و حال اینکه باین قسم ظلم و انبیت و جفا می نمائید هزار جان می دهم و صد هزار عقوبت هرروز قبول می کنم و دوستان و بندگان خدا را ستر می کنم و حفظ می نمایم و اگر بگویم و اظهار کنم جواب خدا را چه بگویم و اگر بگویم عمل من اقبیح است از عمل شمر و یزید و چون این رفتار و کردار و گفتار از او دیده شد خجل و پشیمان شدیم و اورا بمحل سجده فرستادیم ...

# آمنگ بدیع

برای  
جوانان  
و نوجوانان

فهرست

صفحه

## دعا و مناجات

- |                     |                                 |
|---------------------|---------------------------------|
| ایادی عزیز امرالله  | ۱- عالم از ناله عشاق مبادا خالی |
| جناب ابوالقاسم فیضی | ۲- از کتاب مستطاب اقدس          |
| ۴۰                  | ۳- از صحیفه عدلیه و             |
| ۴۱                  | از پیام بیت العدل اعظم الهی     |
| ۴۲                  | ۴- از مناجاتهای حضرت نقطه اولی  |
| ۴۳                  | ۵- از آثار حضرت عبدالبهاء       |
| ۴۴                  | ۶- تفسیر دعا و مناجات           |
| ۴۵                  | ۷- حالت ابتهال                  |
| ۴۶                  | ۸- مناجات ترجمان محبت است       |
| ۴۷                  | ۹- قوای مکنونه در دعاء          |
| ۴۸                  | ۱۰- دعا در ادیان مختلف          |
| ۴۸                  | ترجمه س-ر                       |
| ۵۰                  |                                 |

# عالم از ناله عشاق مبادا خالی

نوشته ایادی عزیز امرالله جناب ابوالقاسم فیضی

تادل مبتلای درد عشق نکرد در زبان آدمی تنزل آغاز ننماید هرچه تعشق و تعلق قوت گیرد امواج ستایش محبوب بلند تر، کف آلود تر و قویتر گردد و آتش آرزو چنان شعله زند که زبانه بسبع طباق کشاند و چنگی بر دل زند و شاخه و برگی بدواند که وجود را از هرچه جز دلدار است بخشکاند .

اگر عشق مجازی را چنین قدرت و قوتی است پس بر ساکنین وادی عشق حضرت رحمن چه می گذرد اگر در حب ظاهری در دلداریست و هجران نومیدی است و ناله و شکایت از سنگدلی و بی وفایی معشوق، عشق الهی نور اندر نور است و وصال اندر وصال گویند از عاشقی ربانی پرسیدند که آیا هنوز در بند عشق الهی هستی در جواب گفت عشق من ابدی است زیرا معشوق ابدی است حضرت حی قدیر رحیم و رحمن است و روابط و دیهیمین خود و عاشقتن برقرار میفرماید بدین معنی که دعا و مناجات نهایت می نماید ابواب گفتگورا شب و روز باز میدارد شب خیز که عاشقان بشب راز کنند و در سحرها با ملکوت قدس جلال به نیاز و ابراز بندگی پردازند بدینگونه لحظات دعا و مناجات ابدیت جویند آدم خاکی بانردبان نماز بعرش حضرت بی نیاز نزدیک شود و چون انسان به نیروی مناجات تقرب یابد و مداومت در این پرستش روزانه بنماید رفته رفته باعلی رتبه " ما اريد الا ما اريدته " نائل شود که آنچه خداوند رحمن اراده فرماید کمال مطلوب انسان کامل است در این رتبه روحانی ناسازگارهای روزگار قدرت گستاخی نیابند که قلب را تیره سازند و با دست عشاق را از دامن دلداری آسمانی کوتاه سازند چه مبارک است این تسلیم و رضا و وصول بدین رتبه عظیم احملی که هم دعا از تو اجابت هم ز تو است .



# أتلوا آيات الله في كل صباح ومساء

"كتاب مستطاب اقدس"

"... کدام حجت از این عظیم‌تر است که انسان بمقام روح مناجات که مقعد انس  
با محبوب است رسیده باشد چنانچه مقامی در عالم امکان عالیتر از این  
متصور نیست ...  
... يك مناجات با خداوند با فصاحت، ظاهریه و ترتیب واقعیه اعظم از  
كل علوم و اكرم از كل طاعات است ..."

( صحیفه عدلیه )

"... در هر زمان و مکان که مقتضی باشد یاران در اسرار جهت  
دعا و مناجات و تلاوت آثار مجتمع گردند ..."

از پیام بیت العدل اعظم الهی  
نوروز ۱۳۱ بدیع

یا الهی انت بحق لم یزل وما سواک محتاج قصیر وانا ذا  
 یا الهی تقطعت عن کل اناس بالتوسل الی جنک  
 وَاَعْرَضْتُ عَنْ کُلِّ الْمَوْجُودَاتِ بِالتَّوَجُّهِ الِی تَلْقَاؤِ بَدَنِی  
 حَسْبِکَ فَالْهَمِی لَلْهُمَّ مَا اَنْتَ عَلَیْهِ مِنَ الْفَضْلِ وَالْعَطَاءِ وَالْعَطْفِ  
 وَالْبَسْ اَوْ دَا بِلَالِ وَالْکَبْرِ یَا فَانِی لَا اَجِدُ دُونَکَ  
 عَالِمًا مُقَدِّرًا وَاَوْفَرِی لِقَمْحِی کُلِّ شَیْءٍ کُلِّ شَیْءٍ  
 وَجُودِ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ فَانِی لَا اَجِدُ دُونَکَ مُسْتَعِذًا  
 وَلَا سِوَاکَ مُجَادِدًا اَنْتَ اَسَدُ رَبِّی تَعَلَّمْ جَابِحِی وَرَسَدُ  
 مَعَامِی وَاَعَاظِ هَلْکِ بِنَزْلِ عَلَی مِنْ فِضَائِکَ بِبَارِئِ  
 نَبِیِّ جَمْدًا وَاکْرَامًا.

از مناجاتهای حضرت نقطه اولی

دعا واسطه ارتباط میانه حق و خلق است و سبب توجه و تعلق قلب هرگز فیض از اعلیٰ بادی بدون واسطه تعلق و ارتباط حاصل نگردد اینست که بنده باید بدرگاه احدیت تضرع و ابتهال نماید و نماز و نیاز آرد . "

( حضرت عبدالبهاء )

مائده آسمانی جلد نهم صفحه ۲۷

" . . . اگر جمیع احزان احاطه نماید چون بمناجات در صلاة مشغول گردیم کل غموم زائل و روح و ریحان حاصل گردد حالتی دست دهد که وصف نتوانم و تعبیر ندانم و چون در کمال تنبه و خضوع و خشوع در نماز بین یدی الله قیام نمائیم و مناجات صلوة را بکمال رقت تلاوت نمائیم حلاوتی در مذاق حاصل گردد که جمیع وجود حیات ابدیه حاصل کنند و البهاء علی اهل البهاء . . . "

( حضرت عبدالبهاء )

رساله گنجینه حدود و احکام صفحه ۱۰

## مناجات :

مصدر مزید عربی بمعنی راز و درد دل گوئی . در ضمن لوح حکما مقداری از تضرعات حکیم بلینوس بنام مناجات مذکور است و در مابین مناجاتهای با خدا که کم و بیش در آثار مقدسه همه ادیان مسطور می باشد مزامیرد اود و مناجاتهای صادره از قلم علی امیرالمؤمنین و امام زین العابدین و برخی از اولیاء روحانی بکثرت موجود و مشهور و مناجاتهای صادره در امر بدیع بیشتر و متنوع تر می باشد .

نقل از اسرارالآثار فاضل مازندرانی

## دعا :

مصدر عربی بمعنی ندا و طلب و خواستن و خواندن و در آنچه خدا را بآن می خوانند شهرت استعمال یافت و در اصطلاح شیعیان و پیروان این امر اطلاقی بر آثاری می شود که بمنظور درخواست و درخواست از خدا صدور یافت و جمع دعاء ادعیه و جمع دعوت دعوات میباشد .

نقل از اسرارالآثار فاضل مازندرانی

# حالت ابتهال

نقل از کتاب بهاء الله و عصر جدید  
نوشته دگسر اسلمنت

حضرت عبدالبهاء میفرماید " باید جهد کنیم تا بمقامی رسیم که منقطعاً بمن کل الاشیا و من فسی العالم بخداوند و خده توجه نمائیم در این مقام سالک را همت لازم تا بآن مقام فائز شود . باید کوشش نماید و جهد کند . حصول این رتبه بعد متعلق و اعتنا بامور جسمانی و شدت تمسک و اهتمام بامور روحانیه است هر قدر از یکی بیشتر دوری کنیم بدیگری بیشتر نزدیک شویم فلنخترا لانفسنا ما نشاء پس باید چشم بصیرت گشود و با ادراکی روحانی علامات و امارات و آثار روح الهیه را در هر شیئی مشاهده کرد زیرا هر شیئی از تجلی آنروح حکایت کند " همچنین میفرمایند " اعلی واسمی علو درجات حالت مناجات است . مناجات مخایره با حق

است عابد باید با روحی مجرد و منقطع و در کمال تسلیم توجه تام و انجذاب بی روحانی منبعث از وجدان بضاجات پر از . مناجاتی که از حالت تصنعی ناشی و بظاهر آراسته و بدون تاثر قلبی است بی ثمر است چه قدر خلوت دارد چه قدر تسلی خاطر است و پیر - روحانیت مناجات در نیمه شب وقتی که چشمها در خواب است چشمان این خداپرست باز است . وقتی که همه گوشها بسته است گوش این متضرع بخدا بیدار بیدار نغمات الهیه در مساز است . وقتی که همه خوابند این مبتهل بمعشوق حقیقی بیدار است اطرافش همه صمت است و سکون و آرامی . بس لطیف و دلربا و این عابد با معبود و مجرد طبیعت بمناجات مشغول .

# مناجات تر جهان محبت است

نقل از کتاب بهاء الله و عصر جدید

نوشتۀ دکتر اسلمنت

روی تکلیفیدون میل با شما بدارد و از ملاقات با شما خوشنود نباشد یا میل میکنی با او صحبت بداری؟  
(نقل از مجله فورت نایت رویو جون ۱۹۱۱ بقلم میس استیونس)

و در صحبتی دیگر میفرمایند:

وقتی که انسان به نهایت تضرع و ابتهاال بمناجات پرد از د  
و قصد تریبان محبتی است که بخدا دارد نه از جهت  
خوف از او یا ترس از نارجهنم نه بامید نعیم و جننت  
وقتی که انسان مفتون حب دیگری گردد ممکن نیست از ذکر  
آن معشوقش سکوت اختیار کند پس جقدر صعب است  
برای انسانی مفتون محبت الله باشد از ذکر او دم فروبندد  
شخص روحانی از هیچ چیز مسرت نیابد مگر بذكر الهی .  
( از یادداشت های میس الطر و برتسون و زائرین دیگر در  
نوامبر و دسامبر ۱۹۰۰ )

بشخصی دیگر که سؤال نوده بود آیا مناجات و نماز  
فرض است و حال آنکه خداوند از آمال قلوب خبیر است  
در جواب میفرمایند:

• اگر یک دوستی بد دیگری محبت در آرزویش اظهار آن  
محبت است و حال آنکه میداند دوستش از محبت او آگاه  
است و با وجود این میل دارد احساسات خویش را بیان  
کند . خدا از آرزوهای قلوب خبیر و علیم است و کسی  
عواطفی که انسانرا بمناجات با حق دلالت میکند از  
مقتضیات طبیعت است که ناشی از محبت انسان است  
بحضرت یزدان . . .

مناجات لازم نیست مقرون به همهمه الفاظ باشد بلکه  
منوط بفکر و حالت است . اگر چنین محبت و تعلق مفقود  
باشد بطریق جبر و عنف لزومی ندارد . مجرد کلمات  
بدون معنی حکمی ندارد اگر شخص صحبتی را از

# قوای مکنونه در دعا

از " یادداشت های مهاجرین -  
منعکس در کتاب " اصول نظم اداری -  
بهائی " بزبان انگلیسی ترجمه شده و

بهنگام تشرف خانم روث موفات در حیف حضرت ولی امالله قوای مکنونه در دعا را بطور اختصار ولی جامع و موثر برایش تشریح فرمودند . آنحضرت بدواً به لزوم توسل بیشتر احباب به دعا و تفکر تأکید فرموده و سپس اظهار داشتند برای طلب تأیید در جهت رفع مشکلی که با آن مواجهی برداشتن پنج قدم ضروری است :

قدم اول : دعاکن و در باره آن تفکر نما . دعاها و مناجاتهای مظاهر مقدسه را که از عظیم ترین قوا برخوردار است تلاوت کن و سپس لحظاتی در سکوت اندیشه و تفکر فرو رو .

قدم دوم : در این وقت تصمیمی به ذهنت خطور مینماید ، آنرا بخاطر بسیار . این تصمیم معمولاً " زائید مان اندیشه و تفکر است که ممکن است در بادی امر تقریباً " غیر عملی بنظر برسد اما چنانچه بنظرت رسید که پاسخی است به دعای تو یا راه حلی است بر مشکل تو آنگاه بیدرتنگ قدم بعدی را برداره .  
قدم سوم : اراده کن تا تصمیم خود را عملی سازی . بسیاری در این مرحله کوتاهی نشان میدهند . تصمیمشان که داشت به اراده میگراشد سست میشود و بصورت آرزو یا امیدی ناشناخته درمی آید . اراده که حاصل شدی تا عمل قدم دیگر را بردارد .

قدم چهارم : ایمان داشته باش و یقین کن که قوای درونی بحرکت درخواهد آمد ، راه درست پدیدار خواهد شد ، درها باز خواهد گشت ، اندیشه صواب ، پیام صحیح ، اصل متین و کتاب حق به توارزانی خواهد گردید و مطمئن باش آنچه غیر است بوقوع خواهد پیوست . بلافاصله بعد از فراغ از دعا قدم پنجم



را برداره

قدم پنجم: سپس فرمودند: در نهایت عمل کن، آنگونه که گوئی تمام تمناهایت برآورده شده است. با نیروی بی پایان و خستگی ناپذیره عمل پرداز. در حین عمل به مغناطیس تبدیل خواهی شد که پیوسته نیروی بیشتری را بسوی تو جذب مینماید تا آنجا که بصورت مجرای غیر قابل انسداری در خواهی آمد که قوای الهی در آن جریان خواهد یافت. بسیاری دست بدعا بر میدارند اما به نیمه ی دوم قدم اول نمیرسند. بعضی تفکر می کنند و به تصمیم میرسند اما آنرا نگاه نمیدانند معدودی به اراده ای که مستلزم انجام تصمیم است دست می یابند، با اینحال قلیلند اشخاصی که بمرحله اطمینان رسیده و یقین حاصل کنند که آنچه صلاح است بوقوع خواهد پیوست. چند نفر را بخاطر می آوری که آنگونه عمل کنند که گوئی تمام تمناهایشان برآورده شده است؟ چه درست است آن بیانی که میگوید "اعظم از دعا روحی است که با آن دعا برگذار شده است" و اعظم از کیفیت برگذاری دعا اراده و ریجها است که بعد از آن تصمیم ناشی از دعا عملی میشود.

## دعای ادیان

”رَبَّنَا اِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمَنُوْا بِرَبِّكُمْ  
فَاٰمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكْفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا  
مَعَ الْاَبْرَارِ رَبَّنَا وَ اِنَّا مَا وَعَدْتَنَا عَلٰى رَسْلِكَ وَا لَّا نُخْزِنَا  
يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ “

سوره آل عمران ۱۹۰ تا ۱۹۲  
قرآن کریم

## دعا در ادیان

"... و چون عبادت کنسی مانند ریاکاران مباش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه های کوچه ها ایستاده نماز گزگرد تا مردم ایشانرا ببینند هرآینه بشما می گویم اجر خود را تحصیل نموده اند لیکن تو چون عبادت کنسی بحجره خود داخل شو و در را بسته پدر خود را که در همان است عبادت نما و پدر همان بین تو ترا آشکارا جزا خواهد داد ... پس شما باینطور دعا کنید :

ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد ملکوت تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین نیز کرده شود . نان کفاف ما را امروز بده و قرضهای ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم و ما را در آزماییش مبادور بلکه از شیر ما را رهائی ده زیرا ملکوت و قوت و جلال یتابد الابد از آن تست آمین .

انجیل متی باب ششم

## دعای انسان

دعای موسی مرد خدا

ای خداوند مسکن ما تو بوده ای در جمیع نسلها قبل از آنکه کوهها بوجود  
آید و زمین و ربیع مسکون را بیافرینی از ازل تلباید تو خدا هستی • انسانرا  
بخبار برمی گردانی و میگوئی ای بنی آدم رجوع نمائید • زیرا دو هزار سال در  
نظر تو مثل دیروز است که گذشته باشد و مثل پاسی از شب ••• زیرا که  
در غضب تو گاهیده میشویم و در خشم تو پیریشان میگردیم چونکه گناهان ما را  
در نظر خود گذارده ای و خفایای ما را در نور روی خویش زیرا که تمام  
روزهای ما در خشم تو سپری شد و سالهای خود را مثل خیالی بسر بردیم •••  
زیرا بزودی تمام شده پرواز می کنیم • کیست که شدت خشم تو را میداند  
و غضب تر چنانکه از تو میباید ترسید ما را تعلیم ده تا ایام خود را بشماریم  
تا دل خردمندی را حاصل نمائیم رجوع کن ای خداوند تاریکی و بر بندگان خود  
شفقت فرما صبحگاهان ما را از رحمت خود سیر کن تا تمامی عمر خود ترنم و  
شادی نمائیم ما را شادمان گردان بحوض ایامی که ما را مبتلا ساختی و سالهاییکه  
بدی را دیده ایم • اعمال تو بر بندگان ظاهربشود و کبربائی تو بر فرزندان  
ایشان جمال خداوند خدای ما بر ما باد و عمل دستهای ما را بر ما استوار ساز  
عمل دستهای ما را استوار گردان •

مزامیر داوود - مزمور نودم

# دعا در ادیان

خواستارم در نماز با دستهای بلند شده نخست ای مزدار امش برای همه  
آفرینش سپند مینو ای اردیبهشت و اینکه خرد بهمن را خشنود تو انم  
ساخت و گوشورون (۱) را \*

+++++

من که بشما روی میآورم ای مزدا اهورا با منش نیک بمن ارزانی دارید آن آبادی  
دو جهان خاکی و مینوی را بد ستیاری اردیبهشت که بیاران گشایش دهد \*

+++++

من که شما را ای اردیبهشت سرود گویم بروش نو و بهمن و مزدا اهورا و کسانی  
را که سپندارند از برایشان کشور نکاستنی ببالاند بیاری من رسید هر آنگاه (که  
شما را بیاری) همی خوانم \*

گاتاها

اهوناد گات یسنا هات ۲۸

(۱) گوشورون : فرشته نگهبان جانداران سودمند است \*